

بررسی تأثیر مشارکت انتخاباتی استان‌های آذری نشین بر یکپارچگی ملی

دکتر علیرضا کریمیان* / دکتر اسماعیل بایبوردی**

چکیده

از مهمترین مسائل جوامع چند قومی، میزان مشارکت اقوام در فرآیند تصمیم‌گیری کلان جهت ایجاد همبستگی ملی آن کشور است. با مروری بر روند پذیرش حق مشارکت سیاسی، مشخص می‌شود که مشارکت به عنوان یک حق تجلی پیدا کرده تا مردم بتوانند در تعیین خط مشی عمومی، مشارکت و نظارت داشته باشند. از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر روند دموکراسی، مشارکت شهروندان، برگزاری انتخابات آزاد و رقابت سیاسی است و در ایران همزمان با تشکیل دولت - ملت، اقوام در نقش اجتماعی هویتی در مناسبات سیاسی به نقش آفرینی پرداختند که بزرگ‌ترین نماد مشارکت و نمود دخالت مردم در امور سیاسی، شرکت آنان در انتخابات و از جمله انتخابات مجلس است. از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰، مجموعاً ۹ دوره انتخابات مجلس برگزار شده که در این مقاله، مشارکت استانهای آذری نشین و استانهای غیر آذری در دوره‌های اول تا هشتم انتخابات مجلس براساس نظریه‌های مشارکت سیاسی و با استفاده از SPSS و آزمون تی مستقل بررسی می‌شود. تحلیل آمارهای انتخابات مجلس و تأثیر آن بر یکپارچگی ملی از طریق SPSS جنبه نوآورانه در این مقاله دارد چراکه تجزیه و تحلیل مشابهی تاکنون انجام نشده است. بر اساس آمارهای موجود، مردمان منطقه آذربایجان (استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل و زنجان)، مشارکت بالایی در ۸ دوره انتخابات مجلس از خود بروز داده و با مشارکتی فعال در عمل، همبستگی خود را با ملت ایران نشان داده‌اند و خود را جزو لاینفک ملت ایران می‌دانند.

کلیدواژه‌ها

مشارکت سیاسی، قومیت، استان‌های آذری نشین، انتخابات مجلس شورای اسلامی.

karimian.alireza@yahoo.com

* استادیار علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

e_baibordi@yahoo.com

** دکتری علوم سیاسی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه

از مهمترین مسائل و موضوعات جوامع چند قومی بررسی میزان مشارکت سیاسی اقوام مختلف یک کشور در فرآیند تصمیم سازی و تصمیم گیری کلان در جهت ایجاد همبستگی ملی و یکپارچگی سیاسی آن کشور است. بنابراین توجه به تنوع و تکثر قومی و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی از اهمیت خاصی برخوردار است.

تنوع اقوام تشکیل دهنده جامعه ایران به نحوی است که اطلاق جامعه چند قومی بر ترکیب جمعیتی آن واقعیتی غیر قابل انکار است (مقصودی، ۱۳۸۰: ۷-۶). حضور و زندگی قومیت‌های مختلف چون فارس‌ها، آذری‌ها، گیلکی و مازندرانی‌ها، کردها، عرب‌ها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها و لر‌ها در جوار یکدیگر و در چارچوب جغرافیای سیاسی واحدی به نام ایران، بیانگر تنوع قومی جامعه ایران است. آذری‌ها به عنوان یکی از بزرگترین گروه قومی، از موقعیت اجتماعی بر جسته‌ای در میان ملت ایران برخوردارند و اگر چه از لحاظ جغرافیایی در مناطق و استانهای مختلف ایران از قبیل تهران، قم، مرکزی، قزوین، همدان، گیلان، خراسان و... پراکنده هستند لیکن ناحیه غرب و شمالغرب ایران از دیرباز حوزه اصلی سکونت آنها بوده است و همکنون استان‌های آذربایجان شرقی، بخش بزرگی از استان آذربایجان غربی، اردبیل و زنجان به عنوان چهار استان بزرگ آذری نشین ایران هستند که با توجه به جمعیت یکدست آذری این استانها، تحت عنوان استانهای آذری نشین و به عنوان محدوده مطالعاتی در این پژوهش در نظر گرفته شده است. در خصوص آمار جمعیتی آذری‌ها، به جهت پراکندگی آنها در سراسر کشور اطلاعات دقیقی در دست نیست، اما ترک زبانان آذری با جمعیتی قابل توجه به عنوان بزرگترین گروه قومی - زبانی در ایران محسوب می‌شوند. آذربایجان به مرکزیت تبریز در طول تاریخ از مراکز عمده سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران بوده است. این منطقه همواره نگهبان فرهنگ، تمدن و تمامیت ارضی ایران بوده و برای پیشرفت و سرافرازی آن، بارها جانفشانی کرده است.

با مروری بر روند پذیرش حق مشارکت سیاسی به صورت عمومی مشخص می‌شود که مشارکت سیاسی در دوران جدید به عنوان یک حق سیاسی تجلی یافته است و به مرور زمان، بسترها و ساز و کارهای متناسب با آن فراهم شده است تا مردم بتوانند به نحو موثری در تعیین خط مشی‌های عمومی، مشارکت، دخالت و نظارت داشته باشند. یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر روند دموکراسی، مشارکت سیاسی است و در ایران نیز همزمان با تشکیل دولت - ملت، اقوام در نقش اجتماعی هویتی در مناسبات سیاسی به نقش آفرینی پرداختند (فرهادی و کاظمی،

۱۳۹۲: ۵۷۲) که بزرگترین نماد مشارکت سیاسی و روشن‌ترین نمود دخالت مردم در امور سیاسی‌شان، شرکت آنان در انتخابات است. هرچه میزان مشارکت انتخاباتی مردم بیشتر باشد، حکومت از مقبولیت، استحکام اجتماعی و ثبات سیاسی بیشتری برخوردار می‌شود. مشارکت سیاسی و یا عدم وجود آن می‌تواند نقش اساسی در تخفیف یا تشدید قوم‌گرایی و سیاسی شدن تفاوت‌های زبانی و مذهبی ایفا کند (احمدی، ۱۳۸۶). از این رو، موضوع مشارکت انتخاباتی اقوام در نظام سیاسی و اجتماعی ایران یک مسئله حیاتی برای پویایی جامعه ایران محسوب می‌شود و شایسته بررسی و پژوهش علمی است. می‌توان گفت یکی از عرصه‌های مهمی که علاقمندان به مسائل قومی سعی کرده‌اند از طریق آن به طرح بیان و خواسته‌های خود پرداخته و افکار عمومی را جذب و جلب کنند، انتخابات است و در این میان انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران؛ به عنوان یکی از مصادیق مشارکت انتخاباتی از این قاعده مستثنی نبوده است. هدف از این پژوهش، بررسی میزان مشارکت انتخاباتی استان‌های آذری نشین و سایر استانها (استان‌های غیر آذری نشین) در ۸ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر اساس نظریه‌های مشارکت سیاسی و قومیت است. به نظر می‌رسد انتخابات مجلس به دلیل گستره منطقه‌ای و محلی، یکی از فرصت‌ها برای اظهارنظر اقوام، نخبگان قومی و گروه بندی‌های فرهنگی در کشورها باشد (فرهادی و کاظمی، ۱۳۹۲: ۵۷۲). با بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی مردم استانهای آذری نشین به نظر می‌رسد متغیر قومیت به عنوان یکی از عوامل مؤثر در پویایی انتخابات مجلس شورای اسلامی و کاهش یا افزایش میزان مشارکت مردم این استانها در این انتخابات‌ها عمل نکرده است چرا که ساکنان هر فضای جغرافیایی و از جمله آذربایجان، بر اثر تعاملات روزمره با همدیگر در طی زمان، نگرش مشترکی نسبت به همدیگر پیدا می‌کنند و دیدگاههای ویژه‌ای نسبت به موضوعات سیاسی- اقتصادی کسب می‌کنند (غفاری و زرین کاویانی، ۱۳۹۰: ۹۰-۸۹) لذا به نظر می‌رسد رفتار سیاسی شهروندان استانهای آذری نشین در قالب شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی، به علت فعالیت سیاسی نخبگان قومی در این زمینه و همچنین تأثیرپذیری مردم این استانها از تغییر و تحولات منطقه‌ای و کشور، همواره از اهمیت خاصی برخوردار بوده است.

هدف عمده از نگارش این مقاله تبیین میزان مشارکت استانهای آذری نشین و مقایسه آن با سایر استانهای کشور (استان‌های غیر آذری) در ۸ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی با

نظریات رایج مشارکت سیاسی به گونه‌ای علمی و با روشهای آماری و نرم افزار SPSS است. ما در این جستار دنبال پاسخگویی به این سؤالات هستیم:

- ۱- آیا بین مشارکت انتخاباتی استان‌های آذری نشین با سایر استان‌های کشور (استان‌های غیر آذری) در ۸ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی تفاوت معناداری وجود داشته است؟
- ۲- میزان مشارکت استان‌های آذری نشین و سایر استان‌های کشور (استان‌های غیر آذری نشین) در ۸ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی چگونه بوده است؟
- ۳- تأثیر عنصر قومیت بر مشارکت آذری‌ها در ۸ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی چگونه بوده است؟ تنوع و تکثر قومی در ایران چه تاثیری بر مشارکت انتخاباتی اقوام و به خصوص استانهای آذری نشین در انتخابات مجلس شورای اسلامی داشته است؟
- ۴- آیا می‌توان پذیرفت که عنصر قومیت به عنوان یکی از مؤلفه‌های مورد استفاده نخبگان قومی و غیرقومی در تشویق و علاقمندی آذری‌ها به مشارکت یا عدم مشارکتشان در انتخابات مجلس شورای اسلامی عمل کرده است؟ و به عبارت دیگر نقش نخبگان سیاسی، رهبران فکری و قومی آذری‌ها بر مشارکت انتخاباتی آنان در ۸ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی چگونه بوده است؟

این پرسش‌ها از جمله پرسش‌های اساسی هستند که تأیید یا عدم تأیید هر کدام از آنها، موجب بروز تفاوت‌های معناداری خواهد بود. در پاسخگویی به این پرسش‌ها، ضمن مطالعه و بررسی آمار میزان مشارکت استانهای آذری نشین و سایر استانهای کشور (استان‌های غیر آذری) در ۸ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، باید بدانیم که چه تعبیری از مشارکت سیاسی و مشارکت انتخاباتی داریم؟ مفهوم قومیت چیست و مهمترین خصوصیات یک گروه قومی کدامند؟ آذری‌ها کیستند و استانهای آذری نشین کدامند؟ آیا همه گروههای قومی و از جمله آذری‌ها از حق برابر برای اعمال قدرت سیاسی از راه رأی دادن یا روشهای دیگر برخوردارند یا خیر؟ رفتارهای انتخاباتی استانهای آذری نشین در هر یک از دوره‌های انتخابات مجلس شورای اسلامی (۸ دوره) چگونه بوده است؟ و شیوه‌های مشارکت سیاسی در ایران کدامند؟

مفاهیم

مشارکت سیاسی

از قرن ۱۶ میلادی و به دنبال فروپاشی نظام سیاسی کلیسا و ورود نظریه قرارداد اجتماعی به مباحث سیاسی و تاکید متفکران عصر روشنگری بر دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود،

بحث مشارکت سیاسی و جامعه مدنی وارد ادبیات سیاسی مغرب زمین شد. بر پایه آموزه‌های عصر روشنگری و نظریه قرارداد اجتماعی، مشارکت سیاسی به معنای درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی با اجتماعی شدن سیاست رابطه نزدیکی پیدا کرد (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳). مشارکت سیاسی فرآیندی است که طی آن قدرت سیاسی میان افراد و گروه‌های جامعه توزیع می‌شود به گونه‌ای که تمامی شهروندان و گروه‌های فعال و خواهان مشارکت سیاسی از حق انتخاب شدن، تصمیم‌گیری، سیاستگذاری، ارزیابی، انتقاد، اعتراض، اظهار نظر و انتخاب کردن و رأی دادن بهره‌مند باشند (نصیری، ۱۳۸۹: ۹۹). یکی از نظریه‌پردازان در باب مشارکت سیاسی، رابرت دال است که تلاش کرده تا پدیده "گرایش و عدم گرایش افراد به مشارکت سیاسی" را تبیین کند. در این مورد وی معتقد است که "اگر میزان اثر بخشی سیاسی بالا باشد، میزان مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یابد و اگر میزان اثربخشی سیاسی پایین باشد، بی تفاوتی را به ارمغان می‌آورد. به نظر وی، وقتی افراد تصور کنند آنچه انجام می‌دهند اثر قابل توجهی بر نتایج سیاسی خواهد گذاشت، بیشتر در امور سیاسی درگیر می‌شوند و بر عکس. دال بر این نکته تأکید دارد که عقاید سیاسی همانند نیاز به امنیت و تهدید امنیت، در عمل سیاسی فرد اثر می‌گذارد و ساختار و کارکرد نهادها و نظام‌های سیاسی را متأثر می‌سازند."

برای مشارکت سیاسی، سطوح و درجاتی را می‌توان متصور شد. رابرت دال سطوح مشارکت در امور سیاسی را در مقوله‌های ذیل عنوان می‌کند:

۱- شرکت در انتخابات ریاست جمهوری ۲- شرکت در انتخابات محلی ۳- فعالیت در یک سازمان درگیر حل مشکل جامعه ۴- کار با افراد دیگر برای حل برخی مسائل جامعه ۵- کوشش برای اقناع دیگران در راهی که خود عمل می‌کنند ۶- فعالیت برای یک نامزد حزب در طول انتخابات ۷- تماس با دستگاه‌های حکومتی ۸- شرکت در جلسات سیاسی ۹- تشکیل گروه و سازمانی برای حل مشکلات جامعه ۱۰- عضویت در یک سازمان سیاسی ۱۱- پرداخت پول به یک نهاد، حزب یا نامزد انتخاباتی.

از سوی دیگر دیوید هورتن و اسمیت مشارکت سیاسی را به دو دسته کلی تقسیم می‌کنند:

۱- مشارکت‌های سیاسی رسمی همچون اخذ رأی، شرکت در مباحث سیاسی، برگزاری جلسات، تشکیل گروه‌های سیاسی و مراوده رسمی ۲- مشارکت‌های نامنظم همچون تظاهرات سیاسی،

راهپیمایی و تحصن، حملات و یورش‌های ناگهانی، شورش و عصیان، مشارکت در جنگ‌ها و انقلاب‌هاست (سیبیلان اردستانی، ۱۳۸۹: ۵۷).

پس مشارکت سیاسی، درگیری فرد در کلیه سطوح سلسله مراتبی عمل سیاسی از رأی دادن گرفته تا تصدی مقامات عمده سیاسی است (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳). در این راستا مشارکت سیاسی به عنوان یک متغیر وابسته، همواره از عواملی چند تأثیر و تأثر پذیرفته است. نوع ساخت نظام سیاسی، وجود قومیت‌ها و هویت‌های متعدد در داخل یک سرزمین، مسائل اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی گوناگون از جمله عواملی هستند که در افزایش یا کاهش سطح مشارکت شهروندان تأثیر به‌سزایی دارند و گاهی نیز منجر به بروز بحران مشارکت می‌شود. در تعریف بحران مشارکت می‌توان گفت: "وقتی نخبگان حاکم تقاضاها و یا رفتار افراد و گروه‌هایی را نامشروع و غیرقانونی تلقی کنند که خواستار مشارکت در نظام سیاسی‌اند، تعارضی روی می‌دهد که این تعارض را بحران مشارکت می‌نامند.

عوامل مؤثر بر بحران مشارکت عبارتند از:

یک) این که نخبگان حکومتی ممکن است معتقد باشند که به تنهایی حق حکومت کردن دارند و بر این اساس، تقاضاهای مشارکت سیاسی دیگر گروه‌های اجتماعی را، نامشروع پنداشته و رد می‌کند؛ زیرا ممکن است نخبگان احساس کنند که قدرت مخصوص طبقات اجتماعی متمایزی است و گروه‌های که فاقد ارزش گروه حاکم هستند، نباید در قدرت سهیم شوند. وقتی یک گروه قومی خاص بر نظام سیاسی حاکم باشد و از واگذاری قدرت به دیگر گروه‌هایی قومی خواهان قدرت ممانعت نماید، چنین موقعیتی ایجاد می‌شود.

دو) دومین علت بحران مشارکت، گروه‌های پرتوقع‌اند که ممکن است در نهادهایی تشکل یابند که نخبگان حاکم این نهادها را غیرقانونی و نامشروع قلمداد می‌کنند. به عنوان مثال گروه‌های حاکم در شماری از کشورهای توسعه نیافته، این اصل را می‌پذیرند که شهروندانشان برای تأثیرگذاری بر سیاست عمومی می‌توانند سازماندهی شوند. ولی درعین حال انجمن‌های قومی را نیز گونه‌هایی غیرقانونی و نامشروع از گروه بندی‌های سیاسی به حساب می‌آورند. سه) سومین علت عبارت است از این که، نخبگان حاکم به دلیل غیرقانونی و نامشروع بودن روش‌های بیان تقاضاهای مشارکت سیاسی، این تقاضاها را غیرقانونی قلمداد کنند. مانند تعدادی از نظام‌های سیاسی اقتدارطلب که حاضرند قدرت خود را فقط با کسانی تقسیم کنند که از طریق راه‌هایی که معین شده، به سیاست وارد شوند.

روی هم رفته می‌توان گفت وجود چندپارگی‌های اجتماعی به چند قطبی شدن جوامع سیاسی می‌انجامد و در نتیجه مانع گسترش رقابت و مشارکت مسالمت آمیز در سیاست می‌گردند. مبنای عینی این شکاف‌ها ممکن است طبقات اقتصادی، فرقه‌های مذهبی، گروه‌های قومی و زبانی باشند که در این راستا ایدئولوژی سیاسی معطوف به رقابت و مشارکت می‌تواند از تأثیر این چندپارگی‌ها بکاهد (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۶-۱۴).

مشارکت انتخاباتی

از آنجایی که در این مقاله، رفتار انتخاباتی به عنوان ملاک و معیار مطالعه مشارکت سیاسی استانیهای آذری نشین در انتخابات مجلس شورای اسلامی مد نظر است، موضوع رأی دادن اهمیت خاصی پیدا می‌کند و لازم است مفهوم مشارکت انتخاباتی نیز تبیین شود.

نظام‌های سیاسی بر پایه اعتماد عمومی و اراده مردم استوار و اقتدار آنها وابسته به مشارکت و دخالت مردم است. این مشارکت در قالب‌های مختلفی شکل می‌گیرد از جمله شرکت مردم در انتخابات و همه پرسی‌ها (امیر انتخابی و حیران نیا، ۱۳۸۹: ۷۳). انتخابات به معنی برگزیدن کسی است که برای انجام کاری و در شکل جمع آن، بیشتر برای انتخاب نماینده برای مجالس مقننه، شوراهای شهر یا ریاست جمهوری آورده می‌شود. لذا انتخابات مجموعه عملیاتی است که در راستای گزینش فرمانروایان و نیز ابزاری است که به کمک آن اراده شهروندان در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان عامل اقتدار سیاسی لحاظ خواهد شد (ابوالحمده، ۱۳۶۸: ۴۰۴). انتخاب رهبران و ایجاد زمینه برای تغییر و جابجایی نخبگان در هرم قدرت، کارکرد عام انتخابات است که در اکثر قریب به اتفاق جوامع می‌توان مشاهده کرد (بایبوردی، ۱۳۸۸: ۳۲۱) و در هر کشوری یک نظام انتخابات همگانی وجود دارد.

"برادول" جنسیت، منطقه سکونت، سن، تحصیلات، درآمد، نژاد، قومیت و دین را بر میزان مشارکت و انتخابات مؤثر می‌داند و بر مبنای تحقیقات خود، در پاسخ به این سؤال که چرا مردم در امر سیاسی مشارکت می‌کنند عواملی همچون منافع شخصی، نیازهای روانشناختی و اهداف زندگی شخصی تهدید روانشناختی و فقدان مهارت در انجام فعالیت‌ها سیاسی مؤثر می‌داند. علاوه بر این موارد، ناامیدی و دل‌سردی از نتایج انتخابات، وجود نظام تک حزبی، تردید در مؤثر بودن در نتیجه انتخابات، عدم رقابت کاندیداها و عدم وجود کاندیدای رقیب، از

عواملی است که بر میزان مشارکت افراد در امور سیاسی و به ویژه در انتخابات تأثیرگذار است (غفاری و زرین کاویانی، ۱۳۹۰: ۹۶).

در مجموع می‌توان گفت که دموکراسی و حاکمیت مردم از طریق حضور و مشارکت آنان در صحنه‌های انتخابات و تعیین سرنوشت جمعی تبلور می‌یابد یعنی افکار عمومی به شیوه‌ای آزاد و آشکار ابراز شوند و برای ابراز آن شیوه‌های مناسبی همچون روزنامه‌های آزاد، انتخابات، احزاب، مراجعه به آراء عمومی و غیره وجود داشته باشد (بشیریه، ۱۳۷۸: ۸۲). رأی دهی و گزینش گری مردم با دو رویکرد مورد تفسیر قرار گرفته و در اثران دو نظریه پدید آمده است که عبارتند از:

۱- نظریه حق رأی

بر اساس این نظریه حاکمیت مردم، حاصل جمع سهام حاکمیت هر یک از شهروندان است که به طور برابر میان تمام شهروندان تقسیم شده است. حاکمیت دولت مجموع اجزای مختلف حاکمیت‌هایی است که هر فرد به سهم خود در اجتماع دارد و لذا هر صاحب سهم در حاکمیت حق دارد که در سازماندهی حکومت همکاری و مشارکت کند. بنابراین، این حق اصالتاً متعلق به شهروندی است که صاحب سهم است و هیچ کس یا مقامی نمی‌تواند این حق رأی را از او بگیرد. هم چنان که به دلیل فردی بودن حق رأی، هر یک از شهروندان در به کار گیری آن مخیرند و کسی نمی‌تواند آنان را در این کار مجبور کند.

۲- نظریه کارکردی رأی

مطابق این نظریه، حاکمیت متعلق به ملت است نه هر یک از افراد آن. از این نظر، ملت یک موجود واقعی و کلیتی تقسیم ناپذیر است که شخصیت حقوقی واحدی را پدید می‌آورد و حاکمیت را به خود اختصاص می‌دهد. بر اساس این نظریه، رأی دادن و عمل انتخاب نه یک حق فردی که یک وظیفه عمومی است و در این صورت، اصالت با ملت است نه با فرد. لذا ملت، هم می‌تواند دایره مشارکت شهروندان را محدود کند و هم اگر منافع جامعه ایجاب کند رأی دادن را به عنوان تکلیف صرف اجتماعی الزامی سازد و حتی سرپیچی از آن را ممنوع نماید؛ زیرا در این دیدگاه، انتخاب به مفهوم برگزیدن بهترین‌هاست که تابع منافع زودگذر و مقطعی نیست و صرفاً به مصالح ملی و منافع تمام اقدار جامعه می‌اندیشد و لذا رأی باید به کسانی داده شود که جامعه و ملت آن را به صلاح می‌داند. چون طبق این نظریه، نمایندگان از ملت نمایندگی می‌کنند نه از افراد و قوانین مصوب آنها مظهر اراده ملت است نه بیانگر دیدگاه

اکثریت. به عبارت دیگر خود ملت تعیین می‌کند که چه قشری از آن، به نام ملت می‌تواند تصمیم بگیرد و حاکمیت را اعمال کند.

بنابراین موضع‌گیری دولت‌ها در قبال مشارکت سیاسی شهروندان و تجویزهای قانونی در این زمینه به تلقی آنها از رأی دادن بستگی دارد. اگر دولتی رأی دادن را حق شهروندی بداند و آن را یک امتیاز تلقی کند، نمی‌تواند نسبت به آن الزام یا منعی را به کار بندد مگر در چارچوبی که خود شهروند پذیرفته است. اما اگر مشارکت، یک کار ویژه اجتماعی تلقی شود، حتی ممکن است در مورد آن اجبار قانونی پیش‌بینی شود؛ زیرا مطابق این برداشت، اختیاری بودن شرکت در انتخابات-که ناشی از حق دانستن آن است-موجب می‌شود تا بخش مهمی از مردم، به دلیل بی‌میلی و بی‌تفاوتی و یا به دلیل اعتماد زیاد به سیاست‌گران، رأی ندهند و جامعه و کشور به دست سیاست‌بازان بیافتد.

به همین دلیل در برخی ایالات کشورهای اتریش یا سوئیس و یا در تمام کشور بلژیک و لوکزامبورگ شرکت در انتخابات اجباری است. هم‌چنان که در کشور هلند صرفاً به حضور در پای صندوق رأی اکتفا شده است و یا در برخی کشورها، بدون الزام و اجبار قانونی، نظریه حاکمیت ملی که ناشی از تلقی کارکردی رأی است-پذیرفته شده و شرکت در انتخابات و رأی دادن در پرتو این نظریه معنا می‌شود(امیر انتخابی و حیران نیا، ۱۳۸۹: ۸۰-۷۸).

قومیت

قومیت به منزله یکی از شاخص‌های اساسی ملت، نقشی تعیین‌کننده در سرنوشت کشورها دارد(واحدی، ۱۳۸۶: ۵). به لحاظ ریشه‌شناسی، قوم و قومیت از واژه یونانی *ethnos* که به تفاوتها و تمایزات میان مردم اشاره دارد، مشتق شده است (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۰). در تعریف قوم یا گروه قومی، همانند بسیاری از مفاهیم علوم انسانی، تفاوت‌های معناداری دیده می‌شود. این تفاوت‌ها اغلب به تفاوت دیدگاهها، حوزه‌های مطالعاتی، نگرش‌های منطقه‌ای و تأثیر پذیری‌های سیاسی اجتماعی و فرهنگی محققان این حوزه مربوط می‌شود. قومیت مفهوم ناظر به همبستگی گروه یا واحدهای نسبتاً پایدار از شکل جوامع بشری است که حد فاصل میان جوامع ایلی و جوامع ملی قرار دارد.

آنتونی. دی اسمیت که خود از بنیانگذاران دیدگاه نمادپردازی قومی است، قوم را چنین تعریف کرده است: جامعه قومی گروهی اجتماعی است که اعضای آن احساس اشتراک در اصل

و ریشه، ادعای تاریخ و سرنوشتی متمایز و مشترک و یک یا چند ویژگی متمایز کننده دارند و احساس یگانگی جمعی و همبستگی می‌کنند (گودرزی، ۱۳۸۵: ۴۵).

با توجه به تعاریف فوق می‌توان مهمترین خصوصیات یک قوم را موارد زیر دانست:

- ۱- نیاکان مشترک واقعی یا باور به نیاکانی اسطوره‌ای ۲- نام مشترک ۳- سرزمین مشترک ۴- زبان مشترک ۵- فضاهای زیستی مشترک ۶- آداب و رسوم مشترک ۷- ارزش‌های مشترک ۸- احساس تعلق به گروه مشترک (کریمی، ۱۳۹۰: ۶۶)

چون در هر کشوری قومیت از جایگاه و معنای خاصی برخوردار است و برداشت و نگرش‌های متفاوتی به آن معطوف است، مراد از قومیت در این مقاله، اقوام ایرانی است که در یک سرزمین مشخص و با توجه به شرایط خاص جغرافیایی، محیطی و حوادث تاریخی به وجود آمده و وارث فرهنگ، تاریخ گذشته و علائق و آرمان سیاسی مشترک می‌باشند (صدر، ۱۳۷۷:

۱۶). با توجه به اهمیت فرهنگ در مشارکت سیاسی، گروه بندی‌های فرهنگی از جمله اجتماعات هویتی نظیر قومیت نیز به تبع آن بیان و بدان به مثابه عاملی ایدئولوژیک در تبیین مشارکت سیاسی توجه شد و بر این اساس اقوام، یکی از گروه بندی‌های فراملی است که در نقش پدیده‌های اجتماعی مفهوم مشارکت سیاسی را دگرگون کرد و ابعاد آن را معنا بخشید.

شکل‌گیری گروه‌های قومی به عنوان یکی از نیروهای مهم اجتماعی، پدیده‌ای است که ریشه در ساخت اجتماعی و صورت‌بندی جوامع دارد. این نیروی اجتماعی که از متن نوع خاصی از شکاف‌های اجتماعی سر بر می‌آورد، پس از تکوین، بسته به ماهیت خود، ساختار قدرت سیاسی و ماهیت نظام اجتماعی به درجات گوناگون بر زندگی سیاسی جوامع اثر می‌گذارد و منشأ پویش‌های سیاسی می‌شود. نیروی اجتماعی عبارت است از افراد، نیروها و گروه‌هایی که بر زندگی سیاسی به شیوه‌های مختلف اثر می‌گذارند و متشکل از افرادی است که از نظر علایق ارزشی، فرهنگی، اقتصادی، صنفی و غیره همسان و مشابه‌اند و به مشارکت در زندگی سیاسی علاقمندند و بدین منظور به خود سازمان می‌دهند و کنش سیاسی از خود بروز می‌دهند (بشیریه، ۱۳۷۴: ۱۰۷).

در کشور ما، تعدد و تنوع اقوام تشکیل دهنده جامعه ایران به نحوی است که اطلاق واژه‌های کثیر القوم و جامعه چند قومی به ترکیب جمعیتی آن، از واقعیتی غیر قابل انکار خبر می‌دهد. حضور و زندگی قومیت‌های مختلف چون فارس‌ها، آذری‌ها، کردها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، عرب‌ها، و

لرها در کنار یکدیگر و در چارچوب جغرافیای سیاسی واحد بیانگر موزائیک فرهنگی - قومی هویت و تمدن ایرانی است (مقصودی، ۱۳۸۰: ۴۵).

موضوع اقوام و تنوع فرهنگی و مذهبی در ساختار سیاسی موجود و در مبانی حقوقی جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شده و به عنوان یک واقعیت مورد توجه قرار گرفته است. از جمله در قانون اساسی به عنوان سند فرادستی که روح آن بیانگر پذیرش استراتژی "وحدت در تکثر فرهنگی" است، این نکته برجسته است و این به معنای تاکید توأمان بر اشتراکات فرهنگی همه ایرانیان است. در قانون اساسی اصول ۱۱ (رسمیت زبان محلی و قومی)، ۱۹ (تساوی حقوقی همه آحاد مردم صرف نظر از رنگ و نژاد، زبان و برابری حقوق شهروندی)، ۱۵ (آزادی زبان و فرهنگ قومی) و نیز اصول ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۹، ۶۴، ۱۰۰ الی ۱۰۶ همگی نشانه‌های اهمیت و توجه به اقوام بوده است. همچنین این موضوع در اصول سیاست فرهنگی کشور (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۷۱)، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره همبستگی و وحدت ملی مصوب ۱۳۷۴/۱۱/۱۵، سیاست‌های کلی نظام در بخش اقوام و مذهب مصوب ۱۳۷۸/۱۱/۱۲، مصوبات شورای فرهنگ عمومی به ویژه مصوبه جلسه ۵۷ در اسفند ۱۳۷۴ درباره راهکارهای ارتقای وحدت ملی و نیز قوانین برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه بوده است (حاجیان، ۱۳۸۸: ۳۰۱-۳۰۰).

استان‌های آذری نشین و آذری‌ها

کشور ایران با وسعتی حدود ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومترمربع، قسمت وسیعی از فلات قاره ایران را شامل می‌شود که رشته کوه‌های بلند و ممتدی در حاشیه آن، چاله‌های کم ارتفاع داخلی را در بر گرفته‌اند و از دیرباز مانند پلی میان آسیای مرکزی و غربی عمل کرده است (ایرج افشار سیستانی، ۱۳۸۲: ۳۰) ایران به دلیل شرایط آب و هوایی و موقعیت استراتژیک آن همواره در طول تاریخ محل عبور اقوام و ایلات مختلف و شکوفایی فرهنگ‌های متنوع بوده است که "رنه گروسه" از ایران به عنوان پل ارتباطی شرق و غرب یاد کرده است حاصل این مراودات گردآمدن مردمانی با خصوصیات فرهنگی و زیستی متنوع بوده است (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۱۳). تعدد و تنوع اقوام تشکیل دهنده جامعه ایران، به نحوی است که اطلاق واژه‌های "کثیرالقوم" و "جامعه چند قومی" بر ترکیب جمعیتی آن، واقعیت غیرقابل انکاری است (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۵). گرچه

جامعه ایران، جامعه‌ای متنوع است و هویت‌های قومی مختلفی در آن شکل گرفته، اما مرزهای اجتماعی و فرهنگی اقوام تداخل زیادی با یکدیگر دارند.

در این میان آذری‌ها که از زمان ظهور دولت ایران قبل از اسلام بخش‌های جدایی ناپذیر جامعه ایران محسوب می‌شده‌اند و همان گونه که در گذشته در شکل دادن به میراث سیاسی و فرهنگی ایران و دفاع از آن نقش داشته‌اند، امروزه نیز در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه ایران مشارکت فعال داشته و دارند. مطالعات انجام شده بر روی آذری‌ها به عنوان گروه عمده زبانی بعد از فارس‌ها، در تاریخ اجتماعی ایران، بیانگر حضور طولانی آنها در پهنه سرزمین ایران به ویژه مناطق شمالغرب و غرب کشور است. این حضور برای منطقه آذری‌ها در گذشته تا سرزمین‌های صفحه شمالی رود ارس امتداد داشت ولی در پی شکست‌های سلاطین قاجار از روسیه، محدود به بخش جنوبی آن گردید. نقش آذری‌ها در شکل دهی چندین دوره از حکومت‌های پادشاهی ایران، سبب مهاجرت پراکنده آنها به سایر نقاط به ویژه پایتخت و نواحی شمالی کشور گردید (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵).

از بعد تاریخی، جنگ‌های مکرری که در ناحیه مرزی آذربایجان و ترکیه روی داده و خاطرات ناخوش آذری‌ها، به ویژه اهالی تبریز از رفتار عثمانی‌ها، به طور طبیعی آذری‌ها را به درون فلات ایران سوق داده است و آنها عمق استراتژیک خود را در داخل فلات ایران قرار داده‌اند؛ بر همین اساس، صفویه پایتخت را که ابتدا در اردبیل بود، با شدت گرفتن نزاع و به منظور فاصله گرفتن از کانون تهدید (عثمانی)، طی چند مرحله به عمق فلات ایران انتقال دادند؛ یعنی از اردبیل به قزوین و از آنجا به ری و سپس به اصفهان. این امر انتشار آذری‌ها تا عمق فلات ایران را خاصه در مسیر تبریز-تهران سرعت بخشید. حضور و انتشار اقوام آذری طی چند قرن اخیر در بخش مرکزی ایران و همدلی و همزیستی مسالمت آمیز آنها با دیگر اقشار ملت، به ادغام آذری‌ها در بافت اجتماعی سکنه این بخش انجامیده است (حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۱۶۳-۱۶۲).

آذری‌ها در متغیرهای زبان و لهجه و احساس قومیت با اکثر ملت ایران، یعنی فارس‌ها تفاوت دارند؛ اما در متغیر دین و مذهب (شیعه) با اکثریت ملت مشترکند و برخی نخبگان آنها، رهبری فکری و مذهبی شیعیان را در ایران و خارج از کشور، به عهده داشته‌اند (حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۱۵۹).

در باب جمعیت قوم آذریها آمار رسمی و دقیقی که بیانگر تعداد آنان در کشور ایران باشد، در دست نیست؛ زیرا یکی از شاخصهای مهمی که می‌توان به کمک آن اقوام مختلف را از هم تمییز داد و به تعداد نفوس آنان پی برد "زبان" می‌باشد که این شاخص نیز در دست نیست اما یکی از پژوهشگران ایرانی می‌نویسد که از کل جمعیت ایران، ۵۱ درصد فارسها، ۲۴ درصد آذربایجانیها، ۷ درصد کردها، ۳ درصد عربها و ۱۵ درصد را بقیه (گیلکی و مازندرانی ۸ درصد، بلوچها ۲ درصد، ترکمنها ۲ درصد، لرها ۲ درصد و بقیه ۱ درصد) تشکیل می‌دهد (ابوطالبی، ۱۳۷۸: ۱۴۳). همانطور که اشاره شد از ۳۱ استان کشور، همکنون استانهای آذربایجان شرقی، بخش بزرگی از استان آذربایجان غربی، اردبیل و زنجان به عنوان چهار استان بزرگ آذری نشین ایران هستند که با توجه به جمعیت یکدست آذری این استانها، تحت عنوان استانهای آذری نشین و به عنوان محدوده مطالعاتی در این پژوهش در نظر گرفته شده است. در خصوص استان آذربایجان غربی ذکر این نکته ضروری است که جمعیت استان آذربایجان غربی طبق سرشماری سال ۱۳۸۵، ۲,۸۷۳,۴۵۹ نفر بوده است که ۴,۰۸ درصد جمعیت کل کشور را در خود جای داده است. ترکهای آذربایجانی و کردها از گروههای قومی عمده این استان (آذربایجان غربی) به شمار می‌روند. کردها در بخشهای مرتفع غربی و جنوبی استان سکونت دارند و متقابلاً ترکهای آذری در دشت‌های پیرامون دریاچه ارومیه و بخشی نیز در دشت‌های شمال و جنوب شرقی استان، سکونت دارند. در یک نظرسنجی که شرکت پژوهشگران خبره پارس به سفارش شورای فرهنگ عمومی در سال ۱۳۸۹ انجام داد و بر اساس یک بررسی میدانی، درصد اقوامی که در این نظرسنجی نمونه‌گیری شد در استان آذربایجان غربی ۷۶,۲٪ ترک آذری، ۲۱,۷٪ کرد، ۰,۸٪ فارس، ۱,۱٪ سایر اقوام و ۰,۳٪ بدون جواب بود (واعظی، ۱۳۹۱).

نظریه‌های مشارکت سیاسی

برای مشارکت، دو نظریه کلان مطرح است:

الف) نظریه‌های وبری: نظریه‌هایی که منشأ "وبری" دارند؛ در آنها بر سیستم اعتقادات، باورها، گرایش‌ها و اندیشه‌های فرد تاکید شده است و فرض بر این است که اگر مشارکت به عنوان یک کنش اجتماعی در نظر گرفته شود، این کنش برخاسته از وجوه فرهنگ هر جامعه است و تحت تأثیر عناصر گوناگون موجود در سیستم فرهنگی جامعه قرار می‌گیرد.

ب) نظریه‌های رفتاری: بر اساس این نظریه، بخش اعظم رفتار به جای این که حاصل باورها و گرایشها باشد، نتیجه سود و زیانی است که یک رفتار در خود دارد به این معنی که پاداش‌ها و مجازات‌هایی که در برابر انجام یک رفتار نصیب شخص می‌شود، تعیین کننده ادامه رفتار او محسوب می‌شود (سبیلان اردستانی، ۱۳۸۹: ۱۹-۲۰).

در ادامه و در این بخش تنها دو دیدگاه و نظریه جامعه‌شناسی کارکردگرایی و مبادله در حوزه مشارکت سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- دیدگاه کارکردگرایی (فونکسیونالیسم)

مطابق این دیدگاه، یک کل، مرکب از اجزا است، اجزایی که آن را به وجود آورده و در بقای آن سهیم‌اند، اگرچه هم اجزا و هم کل ممکن است تغییر یابند. این اجزا باهم ارتباط متقابل دارند. هرکدام از این اجزا، کارکرد لازم و معینی را برای بقای کل نظام بر عهده دارند و پیوند و هماهنگی میان آنها، یگانگی و یکپارچگی را به وجود می‌آورد. علیرغم تغییراتی که در اجزا و نهادهای اجتماعی اتفاق می‌افتد، همواره در آن تعادلی برقرار می‌شود که ثبات و پایداری نظام را تثبیت می‌کند. سرانجام توافق در نظام از طریق جامعه‌پذیری به اعضا حاصل می‌گردد (بروجردی علوی، ۱۳۹۴: ۱۱۹).

اگر دیدگاه سیستمی را در بررسی جامعه و سیاست بپذیریم، از یک نگاه غایت محور، هدف از مشارکت سیاسی، حفظ و بقای نظام سیاسی است؛ زیرا با مشارکت سیاسی، پایه‌های اجتماعی قدرت، تقویت و مستحکم می‌شود و از بروز بحران نفوذ در سیستم جلوگیری می‌شود. به این ترتیب، فرامین حکومتی برای اجرا با مقاومت چندانی روبرو نخواهد شد و خواسته‌ها و تقاضاهای شهروندان از طرق مختلف و به صورت‌های مناسب مورد توجه تصمیم‌گیرندگان حکومتی قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، مشارکت سیاسی بر اساس کارویژه‌هایی که در سیستم سیاسی دارد، شناخته می‌شود. در واقع، رویکرد کارکردگرایی در جامعه‌شناسی، تلفیقی است از دیدگاه کارکردگرایی و نظریه سیستم‌ها. هر چند می‌توان پیشینه کارکردگرایی را به آثار افلاطون و ارسطو نسبت داد اما آثار آگوست کنت، هربرت اسپنسر، امیل دورکیم و دیویس و مور به توسعه این نظریه کمک شایانی کرده است و پس از آن، کارکردگرایی ساختاری توسط تالکوت پارسونز و شاگردش مرتون دنبال شد و رشد کرد.

_____ بررسی تأثیر مشارکت انتخاباتی استانیهای آذری...

با استفاده از نظر مرتون می‌توان گفت مشارکت سیاسی برای جامعه، کارکرد آشکار و پنهان و پیامدهای پیش بینی نشده دارد. مشارکت سیاسی انتخاباتی همواره دارای سه جز جدانشدنی است: انتخاب شوندگان، انتخاب کنندگان و برگزارکنندگان.

کارکردهای آشکار مشارکت سیاسی از بعد انتخاب شوندگان شامل گزینش شدن برای تصدی گری پست سیاسی، کسب قدرت و مشروعیت برای تحت تأثیر قرار دادن خط مشی‌های سیاسی حکومت بر اساس عقاید و نظریات خود است. کارکردهای آشکار مشارکت سیاسی از بعد انتخاب کنندگان شامل برقراری ارتباط سیاسی با نخبگان سیاسی حاکم و غیر حاکم و اعمال نظر مستقیم و مخفی (رأی دادن) است. کارکردهای آشکار مشارکت سیاسی از بعد برگزارکنندگان نیز کسب مشروعیت سیاسی و باقی ماندن در قدرت در حال و آینده است.

کارکردهای پنهان مشارکت سیاسی از بعد انتخاب شوندگان شامل ایجاد نوعی نظارت بر خود، تلاش برای حفظ و گسترش پایگاه اجتماعی-سیاسی خود در آینده و ایجاد انگیزه برای تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه است. کارکردهای پنهان مشارکت سیاسی از بعد انتخاب کنندگان شامل احساس مؤثر بودن برای شهروندان در مسائل جامعه و ایجاد رضایت درونی در آنها، افزایش آگاهی‌های سیاسی و افزایش میزان مسئولیت پذیری شهروندان است. کارکردهای پنهان مشارکت سیاسی از بعد برگزارکنندگان نیز شامل ایجاد انسجام اجتماعی در سطح ملی و گروهی و تبدیل انتخابات به ساختی نهادینه شده برای جامعه پذیری سیاسی است.

از پیامدهای پیش بینی نشده احتمالی انتخابات نیز ایجاد بی تفاوتی سیاسی در شهروندان، ایجاد رغبت سیاسی، افزایش تقاضاهای سیاسی-اجتماعی، رشد انتظارات سیاسی-اجتماعی در شهروندان و تغییر و اصلاح برخی قوانین انتخاباتی است.

در واقع، تحلیل کارکردگرایانه از مشارکت سیاسی می‌کوشد فارغ از ارزش گذاری‌ها، به تجزیه و تحلیل دلایل انتخاب نامزدها و حضور رأی دهندگان واجد شرایط در پای صندوق‌ها بپردازد و به این ترتیب، توضیح دهد که چگونه رابطه متقابل میان مردم، در قالب گروه‌ها و نیروهای اجتماعی و سیاسی و حکومت از طریق شرکت در انتخاب‌های مختلف برقرار می‌شود (عیوضی، ۱۳۸۵: ۴۱-۵۶).

۲- دیدگاه مبادله

این دیدگاه به طور رسمی در دهه ۱۹۵۰ با بررسی‌های هوفز مطرح شد. در واقع، هوفز در انتقاد به پارسونز و تاکیدهای فرهنگی و ساختاری او، نظریه تبادل را طراحی کرد. پس از هوفز، پیتر بلا با تفاوت‌هایی، نظریه مبادله را گسترش داد. این دیدگاه برخلاف کارکردگرایی تحت تأثیر روانشناسی و اقتصاد قرار دارد و بر این نظر استوار است: سودی که فرد انتظار دارد از روابط و در مبادله به دست آورد، انگیزه او برای مبادله است. در واقع، انسان از یکسو می‌خواهد منفعتی را به دست آورد و از سوی دیگر می‌خواهد به دست آوردن این منفعت با کمترین هزینه صورت گیرد. از دیدگاه نظریه پردازان؛ انتخاب و مبادله عقلانی، کنش متقابل و فرهنگ بدین منظور ایجاد و حفظ می‌شوند که برای افراد خردمند و عاقل نتایج خوبی را ارائه می‌دهند. تقویت کننده یا پاداش، انگیزش، سود، اراده گرایی و تأیید اجتماعی از مفاهیم اساسی این دیدگاه است.

از نظر این دیدگاه: ۱- در صورتی که افراد جامعه از مشارکت در امور سیاسی به صورت اعم و در انتخابات به طور اخص پاداش بگیرند، احتمال اینکه این عمل را تکرار کنند بیشتر است. پاداش شرکت در انتخابات می‌تواند شامل نظارت بر انتخابات و احساس مردم در مورد انتخاب نامزدها در جریان انتخابات بدون تقلب باشد. همچنین پاداش می‌تواند به بعد از انتخابات و عملکرد انتخاب شده‌ها مربوط شود. در صورتی که مردم احساس کنند نامزد مورد نظر آنها که از طریق انتخابات برگزیده شده است، در بهبود شرایط و تأمین خواسته‌های آنان موفق بوده است، احتمال شرکت در انتخابات بعدی افزایش می‌یابد. ۲- افراد جامعه در انتخابات شرکت می‌کنند تا افرادی را به عنوان مسئول و مأمور بهتر انجام دادن کارها برگزینند و انتظار دارند این مسئولان شرایط محیطی و اجتماعی بهتری برای آنان فراهم کنند. ۳- افراد جامعه به گذشته خود و انتخابات انجام شده برمی‌گردند و با در نظر گرفتن هزینه‌های صرف شده و به دنبال سود بیشتر، در انتخابات شرکت می‌کنند. ۴- اراده گرایی انسانها کانون توجه نظریه پردازان مبادله است. آنان فرد را انتخاب کننده و محاسبه کننده تفسیر می‌کنند و از نظر آنان نیروهای خارجی مانند شرایط اجتماعی و فرهنگی هرگز آنقدر قدرت ندارند که در این انتخاب خدش‌های وارد کنند. فرد می‌تواند تصمیم بگیرد که مستقیماً تصدی امور سیاسی را عهده دار شود، در رأی دادن مشارکت جوید و یا تنها بحث‌ها و موضوع‌های سیاسی را به طور غیر مستقیم و مثلاً از طریق رسانه‌ها دنبال کند (عیوضی، ۱۳۸۵: ۶۲-۵۶).

جمع بندی مباحث نظری

همان طور که گفته شد کشور ایران هم از نظر قومی دارای ساختار و ترتیب متنوع و ناهمگونی است و هم این تنوع قومی همراه با تفاوت‌های مذهبی، زبانی و نژادی دیده می‌شود. یکی از راههای حفظ وحدت ملی و یکپارچگی سیاسی و ارضی افزایش میزان مشارکت عمومی در ارکان اجرایی و تصمیم‌گیری کشور است. به همین دلیل منظور از مشارکت سیاسی در این مقاله از یک طرف تصمیم‌گیری مردم درباره امور خود و جامعه از طریق انتخاب افراد ذیصلاح به منظور ساختن اراده عمومی که به خیر جامعه منجر می‌گردد است (بخشایشی اردستانی، ۱۳۸: ۱۱۰) و از طرفی دیگر مشارکت سیاسی یا عدم وجود آن می‌تواند نقش اساسی در کاهش یا افزایش قوم‌گرایی و سیاسی شدن اختلافات زبانی و مذهبی ایفاء نماید. با وجود گروه‌های زبانی و مذهبی در ایران، گسترش مشارکت سیاسی و گردش نخبگان یک مسئله حیاتی برای پویایی جامعه و دولت ایران محسوب می‌شود و دولت فراگیر در صورت گسترش مشارکت سیاسی و لزوم حضور اقشار گوناگون جامعه در آن قابل شکل‌گیری است و تنها چنین دولتی است که توان مقابله با چالش‌های گوناگون دنیای پیچیده معاصر (احمدی، ۱۳۸۶: ۳۷۸-۳۷۷) را در عرصه‌های مختلف و از جمله مسائل قومیتی دارد.

در یک جمع بندی کلی می‌توان مشارکت استانهای آذری نشین و سایر استانهای کشور (استانهای غیر آذری) در ۸ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی را بر اساس ترکیبی از نظریه‌های کارکردگرایی و مبادله در حوزه مشارکت سیاسی و انتخابات (با توجه به عنایت این نظریات به مقوله انتخابات) مناسب برای تحلیل دانست.

شیوه‌های مشارکت سیاسی در ایران

اختصاص یافتن اصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مشارکت سیاسی و تعبیه ابزارها و شیوه‌های نوین مشارکتی از جمله احزاب سیاسی، تشکلهای صنفی، نظام نمایندگی، انتخابات و... مبین نگرش مثبت به مشارکت سیاسی و چنین ابزارها و شیوه‌هایی است. در نظام جمهوری اسلامی ایران، مشارکت سیاسی به معنی حق دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود با توجه به آموزه‌های سیاسی-دینی است. بر همین اساس دخالت مردم در امر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و نظارت بر آنها با توجه به اصل اول قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است. در

ایران، مشارکت در انتخابات به وسیله مردم، به عنوان یکی از مهمترین انواع مشارکت تبدیل شده است.

بنا بر اصل ششم قانون اساسی، مشارکت مردم ایران در سرنوشت سیاسی - اداری ایشان در دو سطح ملی و محلی پیش بینی شده که بدین شرح است:
الف) سطح ملی: مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مردم ایران در تعیین سرنوشت سیاسی سطح ملی خود و گماردن رهبران و مدیران عالی سیاسی برای اداره کشور دخالت دارند و در موارد زیر نقش آفرینی می کنند:

۱- انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی: نمایندگان مجلس مطابق اصول ۶۲ و ۶۳ برای ۴ سال از حوزه های انتخابیه سراسر کشور با رأی مردم ساکن در هر حوزه انتخاب می شوند. تجمع نمایندگان ملت از سراسر کشور در مجلس شورای اسلامی نوعی از الگوی فضایی مشارکت سیاسی مردم محسوب می شود. اختیارات و وظایف نمایندگان مجلس شورای اسلامی عبارت است از: تصویب قوانین عمومی کشور، بررسی و تصویب دخل و خرج مملکت در قالب لایحه بودجه، برگزیدن وزیران با دادن رأی اعتماد به وزرای پیشنهادی رئیس جمهور، تحقیق و تفحص در امور کشور، بررسی و تصویب الگوهای رابطه با دول خارجی، رسیدگی به شکایات مردم از دولت به طور کلی و مشکلات حوزه انتخابیه خود به طور خاص.

۲- انتخاب رئیس جمهور: طبق اصل ۱۱۴ قانون اساسی، رئیس جمهور با رأی مستقیم مردم سراسر کشور برای مدت ۴ سال انتخاب می شود و مسئولیت قوه مجریه و ریاست کابینه را بر عهده دارد.

۳- انتخاب رهبر: طبق اصل ۱۰۷ قانون اساسی، مردم نمایندگان مجلس خبرگان رهبری را به صورت استانی و منطقه ای بر می گزینند و اعضای این مجلس فرد واجد شرایطی را که قانون اساسی در اصل ۱۰۹ تعیین کرده است، به عنوان رهبر انتخاب می کنند.

۴- همه پرسی: مطابق اصل ۶ قانون اساسی یکی از زمینه های مشارکت ملت ایران در امور سیاسی کشور همه پرسی است که فرمان آن را طبق اصل ۱۱۰ رهبر صادر می کند. اصل ۵۹ قانون اساسی برگزاری همه پرسی و مراجعه به آرای عمومی در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را پس از دو سوم نمایندگان مجلس لازم شمرده و نتیجه آن را در حکم قانون دانسته است.

ب) سطح محلی: مطابق اصل هفتم قانون اساسی برای مکانها و مناطق جغرافیایی سراسر کشور نیز نهادهای تصمیم گیرنده‌ای پیش بینی شده است که امکان مشارکت مردم را در سرنوشت خود فراهم می‌آورد که مهمترین آن شوراهای اسلامی شهر و روستاها می‌باشد (حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۴۵۳-۴۴۹).

برابر اسناد موجود، از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا سال ۱۳۹۰، مجموعاً ۹ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۱۱ دوره انتخابات ریاست جمهوری، ۳ دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ۳ دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، ۱ دوره انتخابات همه پرسی تغییر رژیم از سلطنتی به جمهوری اسلامی، ۱ دوره انتخابات خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی و ۱ دوره انتخابات همه پرسی تأیید قانون اساسی برگزار گردیده است که متأسفانه اطلاعات مربوط به دوره نهم مجلس شورای اسلامی علی‌رغم تلاشهای گسترده به دست نیامد لذا در این تحقیق، آمارهای مربوط به ۸ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. (سایت وزارت کشور، ۱۳۸۸)

روش شناسی تحقیق

روش پژوهش حاضر، کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی است. پس از جمع آوری نتایج ۸ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی و آمارهای رسمی منتشر شده از سوی وزارت کشور، با استفاده از نرم افزار SPSS (statistical package for social sciences) آزمون تی مستقل برای مقایسه نسبت مشارکت انتخاباتی استانیهای آذری نشین و سایر استانیهای کشور در ۸ دوره به کار گرفته شد.

آزمون نمونه‌های مستقل بر مبنای توزیع T یک آزمون پارامتری است که در آن به بررسی تفاوت میان میانگین دو جامعه پرداخته می‌شود. از آنجایی که با دو جامعه سرو کار داریم از تی مستقل برای آزمون فرضیه‌های تفاوتی استفاده می‌شود. به عبارت دیگر با استفاده از آزمون تی مستقل به مقایسه میانگین دو گروه استانیهای آذری نشین و استانیهای آذری نشین و سایر استانیهای کشور می‌پردازد بدین صورت که آیا اختلاف میانگین دو گروه استانیهای آذری نشین و سایر استانیهای کشور (استانهای غیر آذری) معنادار است یا اینکه این تفاوت آن قدر زیاد است که از دید نرم افزار SPSS معنادار قلمداد نمی‌شود.

میزان مشارکت مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی

به منظور ارائه چشم انداز آماری روشن از میزان مشارکت مردم در ۸ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، آمار رسمی منتشر شده در سایت وزارت کشور (در سال ۱۳۸۸) در جدول شماره ۱ به تفکیک هر دوره و تاریخ برگزاری در دو گروه استانهای آذری نشین و سایر استانها (استانهای غیر آذری) و در قالب ستونهای جداگانه آورده می‌شود.

جدول شماره ۱- میزان مشارکت استانهای آذری نشین و سایر استانها در انتخابات مجلس شورای اسلامی

درصد مشارکت								
استان	دوره اول ۱۳۵۸/۱۲/۲۴	دوره دوم ۱۳۶۷/۱/۲۶	دوره سوم ۱۳۷۷/۱/۱۹	دوره چهارم ۱۳۷۱/۱/۲۱	دوره پنجم ۱۳۷۴/۱۲/۱۸	دوره ششم ۱۳۷۸/۱۱/۳۰	دوره هفتم ۱۳۸۲/۱۲/۱	دوره هشتم ۱۳۸۶/۱۲/۲۴
آذربایجان شرقی	۴۲٫۶۹	۵۷٫۳۲	۵۷٫۶۴	۵۷٫۳۴	۶۹٫۶۵	۶۷٫۲	۴۵٫۲۷	۵۳٫۴۳
آذربایجان غربی	۴۵٫۲۷	۶۴٫۸۴	۶۰٫۹۴	۵۸٫۳۲	۷۵٫۴۶	۷۱٫۹۵	۴۲٫۳۵	۵۳٫۱۳
زنجان	۵۶٫۰۷	۸۱٫۱۲	۷۲٫۵۶	۶۷٫۰۲	۷۹٫۴۱	۷۳٫۵۴	۵۹٫۸۶	۶۳٫۲۷
اردبیل*	—	—	—	۶۸٫۲۶	۷۰٫۲۶	۷۰٫۲۶	۵۵٫۴۳	۵۸٫۲۹
متوسط درصد مشارکت استانهای آذری نشین	۴۸٫۰۱	۶۷٫۲۲	۶۳٫۸۲	۶۲٫۷۸	۷۳٫۲۹	۷۰٫۷۳	۵۰٫۷۲	۵۷٫۰۵
اصفهان	۶۱٫۰۶	۶۹٫۰۶	۵۹٫۸۲	۶۹٫۰۴	۶۷٫۵۱	۶۰٫۰۴	۴۱٫۶۳	۳۹٫۶۷
ایلام	۵۴٫۱۵	۷۲٫۴۵	۸۳٫۸۵	۷۸٫۱۶	۹۰٫۶۴	۸۷٫۰۱	۷۲٫۰۵	۷۵٫۰۱
بوشهر	۵۳٫۵۲	۶۰٫۳۴	۶۲٫۲۳	۵۶٫۵۶	۸۳٫۴۵	۷۶٫۳۳	۶۱	۶۲٫۳۱
تهران	۶۱٫۱۳	۷۴٫۰۵	۴۲٫۲۳	۳۹٫۳۵	۵۵٫۷۴	۴۶٫۸۸	۳۶٫۷۸	۲۰٫۲۲
چهارمحال و بختیاری	۵۵٫۰۲	۶۶٫۸۱	۷۴٫۸۵	۸۳٫۳۱	۷۷٫۰۶	۸۶٫۰۴	۷۵٫۳۵	۷۳٫۵۵
خراسان جنوبی**	—	—	—	—	—	—	—	۷۸٫۳۳
خراسان رضوی	۵۵٫۰۲	۶۷٫۹۷	۵۵٫۶۵	۵۷٫۲۱	۷۱٫۶۹	۷۳٫۱۹	۵۷٫۵۹	۵۷٫۷۵
خراسان شمالی**	—	—	—	—	—	—	—	۶۶٫۰۸
خوزستان	۵۱٫۸۸	۷۵٫۵۴	۷۰٫۲۱	۷۱٫۴۴	۷۳	۶۷٫۵	۵۵٫۶۲	۵۳٫۰
سمنان	۶۲٫۳۸	۳۸٫۵۹	۷۷٫۵۵	۷۱٫۹۹	۸۸٫۵۷	۷۶٫۱۲	۵۶٫۴۰	۶۰٫۶۳
سیستان و بلوچستان	۳۹٫۳۹	۶۶٫۳۸	۴۹٫۹۱	۵۲٫۲۱	۶۲٫۶۹	۶۸٫۹۹	۷۵٫۳۸	۶۳٫۰۱
فارس	۵۰٫۷۹	۴۷٫۶۱	۶۱٫۲۵	۵۹٫۷	۷۵٫۶۷	۷۳٫۱۳	۵۷٫۶۷	۵۸٫۳۵
قزوین***	—	—	—	—	—	۷۰٫۳۹	۵۴٫۸۹	۵۴٫۴۴
قم***	—	—	—	—	—	۶۶٫۰۲	۵۲٫۲۴	۴۷٫۱۸
کردستان	۲۲٫۳۹	۶۷٫۵۳	۶۱٫۴۹	۷۱٫۳۵	۷۷٫۰۶	۷۰٫۱۸	۳۲٫۲۶	۴۴٫۸۳
کرمان	۴۶٫۲۴	۵۲٫۳۶	۷۰٫۱۷	۶۲٫۷	۸۰٫۴۹	۷۶۴۳	۶۴٫۲۰	۶۱٫۲۱
کرمانشاه	۳۷٫۸	۷۲٫۴۵	۵۲٫۱۴	۶۳٫۲۱	۷۵٫۹۲	۷۱٫۸۲	۵۰٫۲۶	۷۰٫۶۸
کهگیلویه و بویراحمد	۴۲٫۳۳	۷۸٫۸۷	۸۴٫۹۳	۸۶٫۶۲	۹۶٫۱۶	۹۶٫۵۱	۸۹٫۸۱	۹۰٫۶
گلستان	—	—	—	—	—	—	۶۵٫۹۸	۷۲٫۲۶
گیلان	۳۹٫۷	۶۰٫۶۶	۶۵٫۳۱	۶۲٫۸۱	۸۲٫۱۳	۷۷٫۸۲	۵۰٫۵۴	۵۳٫۸۷
لرستان	۵۶٫۵۸	۶۷٫۲۲	۶۳٫۴۸	۶۸٫۶۲	۸۰٫۶۲	۷۸٫۰۶	۶۲٫۳۶	۶۳٫۸۰
مازندران	۵۲٫۴۸	۷۲	۷۱٫۶۶	۶۹٫۵۲	۸۳٫۶۹	۷۵٫۲۷	۵۵٫۹۸	۵۴٫۲۹
مرکزی	۹۰٫۱۱	۷۳٫۱۸	۷۶٫۷۳	۶۴٫۹۵	۷۲٫۷	۶۸٫۳۶	۴۲٫۷۹	۴۸٫۴۵
هرمزگان	۴۲٫۳۳	۶۰٫۳۸	۶۲٫۱۹	۶۰٫۳۴	۶۶٫۶۱	۷۱٫۳	۶۱٫۷۶	۶۲
همدان	۴۴٫۳۲	۶۹٫۴۵	۶۳٫۵۹	۶۰٫۷۱	۷۲٫۲۲	۶۸٫۷۳	۵۱٫۰۸	۵۶٫۹۲
یزد	۶۶٫۶۱	۷۵٫۲۲	۷۴٫۰۲	۶۳٫۵۶	۷۰٫۴	۷۰٫۸۷	۳۹٫۱۷	۴۶٫۴۷
متوسط درصد مشارکت سایر استانهای کشور	۵۰٫۷۷	۶۵٫۷۶	۶۵٫۶۲	۶۴٫۵۱	۷۶٫۴۴	۷۳٫۱۳	۵۷٫۲۴	۵۹٫۳۸

* آمارهای مربوط به درصد مشارکت استان اردبیل در دوره‌های اول و دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان آذربایجان شرقی آورده شده است چرا که این استان در سال ۱۳۷۲ تشکیل شد.

** آمارهای مربوط به درصد مشارکت استانهای خراسان جنوبی و شمالی در آمارهای استان خراسان رضوی آورده شده است چرا که این دو استان در سال ۱۳۸۴ تشکیل شد.

*** آمارهای مربوط به درصد مشارکت استانی‌های قزوین و قم در آمارهای استان تهران آورده شده است چرا که استان قزوین در سال ۱۳۷۶ و استان قم در سال ۱۳۷۵ تشکیل شد.

بررسی یافته‌های پژوهش

جهت دستیابی به میزان مشارکت استانی‌های آذری نشین در ۸ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، نتایج ارائه شده از سوی نهادهای مرتبط (پورتال سازمانی وزارت کشور، ۱۳۸۸) به تفکیک استانها استخراج و موضوع مشارکت مردم در دو گروه استانی‌های آذری نشین و سایر استانی‌های کشور (استان‌های غیر آذری) با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های این پژوهش در سه بخش ارائه می‌شود:

الف) مقایسه میزان مشارکت مردم در کلیه استانی‌های کشور در ادوار مختلف

مروری بر آمار و اطلاعات به دست آمده از میزان مشارکت مردم در انتخابات هشت دوره مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که:

۱- دوره پنجم انتخابات مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۳۷۴/۱۲/۱۸ برگزار شده با میانگین ۷۶/۴۳ درصد، از بالاترین میزان مشارکت مردم برخوردار بوده است و بعد از آن دوره ششم که در تاریخ ۱۳۷۸/۱۱/۳۰ برگزار شده با میانگین ۷۳/۱۳ درصد در مرتبه دوم قرار داشته است.

۲- کمترین میزان مشارکت مردم با میانگین ۵۰/۷۷ درصد متعلق به اولین دوره انتخابات مجلس و در مرحله بعد متعلق به دوره هفتم انتخابات مجلس شورای اسلامی با میزان مشارکت ۵۷/۲۴ درصدی مردم بوده است.

۳- میزان مشارکت مردم در دوره‌های دوم، سوم و چهارم به شدت به هم نزدیک است (۶۵/۷۶ درصد، ۶۵/۹۲ درصد و ۶۴/۵۱ درصد) به گونه‌ای که تفاوت مشارکت مردم در این دوره‌ها از ۱/۵ درصد کمتر است.

۴- به این شکل می‌توان میزان مشارکت مردم ایران در دوره‌های مختلف انتخابات مجلس را به ترتیب درصد میزان مشارکت شهروندان در جدول زیر ارائه کرد:

جدول شماره ۲ ترتیب میزان مشارکت استانیهای کل کشور در انتخابات مجلس شورای اسلامی

رتبه اول میزان مشارکت	رتبه دوم میزان مشارکت	رتبه سوم میزان مشارکت	رتبه چهارم میزان مشارکت	رتبه پنجم میزان مشارکت	رتبه ششم میزان مشارکت	رتبه هفتم میزان مشارکت	رتبه هشتم میزان مشارکت
انتخابات دوره پنجم	انتخابات دوره ششم	انتخابات دوره سوم	انتخابات دوره دوم	انتخابات دوره چهارم	انتخابات دوره هشتم	انتخابات دوره هفتم	انتخابات دوره اول

ب) مقایسه میزان مشارکت مردم در استانیهای آذری نشین:

۱- همانطور که از جدول شماره ۱ بر می آید و با توجه به این نکته که در دوره های اول تا سوم، استان اردبیل، استان مستقلی نبوده است، داده ها نشان می دهند که در دوره پنجم انتخابات مجلس، میانگین میزان مشارکت مردم در چهار استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، زنجان و اردبیل ۷۳/۷۹ درصد بوده و این دوره از نظر میانگین مشارکت در بین ۸ دوره مورد بررسی، رتبه اول را حائز شده است که این مسئله کاملاً با میانگین به دست آمده از میزان مشارکت در این دوره همخوانی دارد.

۲- جالب توجه است که از نظر ترتیبی نیز رتبه بندی استانیهای آذری نشین به میزان بسیار زیادی با رتبه بندی کل کشور همخوانی دارد.

جدول شماره ۳ ترتیب میزان مشارکت استانیهای آذری نشین در انتخابات مجلس شورای اسلامی

رتبه اول میزان مشارکت	رتبه دوم میزان مشارکت	رتبه سوم میزان مشارکت	رتبه چهارم میزان مشارکت	رتبه پنجم میزان مشارکت	رتبه ششم میزان مشارکت	رتبه هفتم میزان مشارکت	رتبه هشتم میزان مشارکت
انتخابات دوره پنجم	انتخابات دوره ششم	انتخابات دوره سوم	انتخابات دوره دوم	انتخابات دوره چهارم	انتخابات دوره هشتم	انتخابات دوره هفتم	انتخابات دوره اول

مقایسه جدول ترتیب میزان مشارکت استانیهای آذری نشین در انتخابات مجلس شورای اسلامی با جدول ترتیب میزان مشارکت مردم استانیهای کل کشور در انتخابات مجلس شورای اسلامی نشان می دهد که فقط جای دوره های دوم و سوم با یکدیگر در این جداول عوض

بررسی تأثیر مشارکت انتخاباتی استانیهای آذری... _____

شده‌اند و استانیهای آذری نشین در کلیه ادوار انتخابات مجلس، میانگینی بسیار نزدیک به کل کشور داشته است.

ج) مقایسه میزان مشارکت استانیهای آذری نشین با سایر استانیهای کشور (استانهای غیر آذری)

همانطور که در بخش روش پژوهش توضیح داده شد، برای سنجش معناداری تفاوت میان میانگینهای میزان مشارکت مردم استانیهای آذری نشین با سایر استانیهای کشور، از آزمون تی استفاده شد. نتایج به شرح زیر است:

جدول شماره ۴: آزمون تی مستقل برای اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

شدت معنی داری	درجه آزادی	t	میانگین	تعداد	انحراف استاندارد	استانهای آذری نشین	میزان مشارکت
۰/۶۱۶	۴/۸۱	-۰/۵۳۶	۴۸/۰۱	۳	۷/۰۹	استانهای آذری نشین	میزان مشارکت
			۵۰/۷۷	۲۱	۱۴/۲۶	سایر استانیهای کشور (غیر آذری)	

همانطور که جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، با توجه به t به دست آمده در درجه آزادی ۴/۸۱ و $p < ۰/۵۰$ نتیجه می‌گیریم که در دوره اول انتخابات مجلس از نظر میانگین میزان مشارکت مردم بین استانیهای آذری نشین و استانیهای غیر آذری تفاوت معنی دار وجود ندارد. حاصل آنکه تفاوت موجود ناشی از تصادف بوده و مردم استانیهای آذری نشین تقریباً به اندازه مردم سایر استانیهای کشور (غیر آذری) در انتخابات شرکت کرده‌اند و میانگینهای میزان مشارکت مردم هر دو گروه به هم بسیار نزدیک بوده است.

جدول شماره ۵: آزمون تی مستقل برای دومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

شدت معنی داری	درجه آزادی	t	میانگین	تعداد	انحراف استاندارد	استانهای آذری نشین	میزان مشارکت
۰/۸۱۱	۲/۳۸	۰/۲۶۶	۶۷/۷۲	۳	۱۲/۲۰	استانهای آذری نشین	میزان مشارکت
			۶۵/۷۶	۲۱	۹/۷۶	سایر استانیهای کشور (غیر آذری)	

داده‌های جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که با توجه به میانگین‌های دو گروه مورد مقایسه، میزان t به دست آمده (۰/۲۶۶) در درجه آزادی ۲/۳۸، تفاوت معنی داری بین میزان مشارکت مردم در استانهای آذری نشین و سایر استانهای کشور (غیر آذری) در دوره دوم به چشم نمی‌خورد و تفاوت معنی داری از این حیث بین دو گروه مورد مقایسه وجود ندارد.

جدول شماره ۶: آزمون تی مستقل برای سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

شدت معنی داری	درجه آزادی	t	میانگین	تعداد	انحراف استاندارد		
۰/۷۰۲	۳/۲۴	-۰/۴۱۸	۶۳/۸۲	۳	۷/۷۳	استانهای آذری نشین	میزان مشارکت
			۶۵/۹۳	۲۱	۱۰/۸۱	سایر استانهای کشور (غیر آذری)	

داده‌های جدول شماره ۶ نیز حاکی از آن است که میان میانگین میزان مشارکت مردم در استانهای آذری نشین با میانگین سایر استانهای کشور در دوره سوم انتخابات مجلس شورای اسلامی، تفاوت معنی دار وجود ندارد زیرا سطح معناداری ۰/۷۰۲ و احتمال خطا از ۰/۰۵ بیشتر است.

جدول شماره ۷: آزمون تی مستقل برای چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

شدت معنی داری	درجه آزادی	t	میانگین	تعداد	انحراف استاندارد		
۰/۶۵۵	۷/۹	-۰/۴۶۵	۶۲/۷۸	۴	۲/۸۷	استانهای آذری نشین	میزان مشارکت
			۶۴/۵۱	۲۱	۲/۳۶	سایر استانهای کشور (غیر آذری)	

جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که در دوره چهارم انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز میان استانهای آذری نشین با سایر استانهای کشور (استانهای غیر آذری)، تفاوت معنی دار وجود ندارد. میزان t به دست آمده (-۰/۴۶۵) در درجه ۷/۹ و احتمال خطای بیشتر از ۰/۰۵ موید این نکته است.

جدول شماره ۸: آزمون تی مستقل برای پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

شدت معنی داری	درجه آزادی	t	میانگین	تعداد	انحراف استاندارد		
۰/۴۱۲	۹/۲۱۳	-۰/۸۶۰	۷۳/۷۹	۴	۲/۲۵	استانهای آذری نشین	میزان مشارکت
			۷۶/۴۲	۲۱	۲/۰۶	سایر استانیهای کشور (غیر آذری)	

داده‌های جدول شماره ۸ حکایت از آن دارد که دوره پنجم انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز شاهد مشارکت یکسان مردم استانیهای آذری نشین و سایر استانیهای کشور (استانهای غیر آذری) بوده است زیرا t به دست آمده (-۰/۸۶۰) در درجه ۹/۲۱۳، رابط غیر معناداری را (sig=۰/۴۱۲) را به نمایش می‌گذارد.

جدول شماره ۹: آزمون تی مستقل برای ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

شدت معنی داری	درجه آزادی	t	میانگین	تعداد	انحراف استاندارد		
۰/۲۸۶	۷/۶۹	-۱/۱۴	۶۹/۶۱	۴	۲/۳۹	استانهای آذری نشین	میزان مشارکت
			۷۳/۱۳	۲۴	۱/۹۲	سایر استانیهای کشور (غیر آذری)	

جدول شماره ۹ نشان می‌دهد که در دوره ششم انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز مانند دوره‌های قبل میان میانگین مشارکت استانیهای آذری نشین با سایر استانیهای کشور (استانهای غیر آذری) تفاوت معنی دار وجود ندارد. t به دست آمده (-۱/۱۴) در درجه آزادی ۷/۶۹ و در نتیجه $p > ۰/۰۵$ موید این امر است.

جدول شماره ۱۰: آزمون تی مستقل برای هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

شدت معنی داری	درجه آزادی	t	میانگین	تعداد	انحراف استاندارد		

میزان مشارکت	استان‌های آذری نشین	۴/۱۳	۴	۵۰/۷۲	-۱/۳۲۵	۵/۸۴۱	۰/۲۳۵
	سایر استانهای کشور (غیر آذری)	۲/۶۵	۲۴	۵۷/۲۴			

داده‌های جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد که با توجه به میزان آزمون t به دست آمده ($-۱/۳۲$) در درجه آزادی $۵/۸۴۱$ و احتمال خطای بزرگتر از $۰/۰۵$ ($\text{sig}=۰/۲۳۵$)، میان استانهای آذری نشین با سایر استانهای کشور (استان‌های غیر آذری) از نظر میانگین مشارکت مردم در دوره هفتم انتخابات مجلس شو رأی اسلامی تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول شماره ۱۱: آزمون تی مستقل برای هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

شدت معنی داری	درجه آزادی	t	میانگین	تعداد	انحراف استاندارد		
میزان مشارکت	استان‌های آذری نشین	-۰/۶۶۸	۵۷/۰۵	۴	۲/۳۹	استان‌های آذری نشین	۰/۵۱۷
	سایر استانهای کشور (غیر آذری)		۵۹/۳۸	۲۶	۲/۵۲		

براساس مستندات جدول فوق، در مقایسه بین ۴ استان آذری نشین و ۲۶ استان دیگر از نظر میانگین مشارکت مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی، تفاوت معنی داری مشاهده نشد زیرا میزان t به دست آمده در این مقایسه $-۰/۶۶۸$ ، در درجه آزادی $۱۱/۶۵$ احتمال خطا را از ۵ درصد بیشتر کرده است ($p) > ۰/۰۵$).

رفتارهای انتخاباتی استانهای آذری نشین در انتخابات مجلس شورای اسلامی

یکی از عرصه‌های مهمی که علاقه مندان به مسائل قومی سعی کرده‌اند از طریق آن به طرح بیان و خواسته‌های خود پرداخته و افکار عمومی را جذب نمایند انتخابات و به ویژه انتخابات مجلس شورای اسلامی بوده است. در پاسخ به این سؤال که چرا کاندیداهای قوه قانونگذاری (مجلس شورای اسلامی) در مبارزات انتخاباتی زودتر از کاندیداهای ریاست جمهوری به بهره‌گیری از متغیر قومیت در تأثیر گذاری بر رفتار انتخاباتی شرکت کنندگان مبادرت ورزیده‌اند باید به کارکرد دو وجهی عنصر نمایندگی نمایندگان مجلس اشاره کرد که هم نمایندگی "آحاد

ملت" و هم نمایندگی "حوزه انتخابیه" را بر عهده دارند. به دلیل آنکه احزاب سیاسی در ایران توسعه نیافته‌اند و نظام انتخاباتی به ویژه در شهرهای کوچک مشوق افراد است تا به صورت مستقل، داوطلب نمایندگی شوند، موضوع ارائه خدمات به حوزه انتخابیه اهمیت زیادی می‌یابد. وعده و وعیدهای داوطلبان نمایندگی در زمان انتخابات حاکی از اهمیت این امر در انتخاب شدن و تداوم فعالیت نمایندگی در دوره‌های بعد است (مقصودی، ۱۳۸۵: ۹۳).

در جامعه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۰، نه انتخابات مجلس شورای اسلامی برگزار شده است. با توجه به شرایط اجتماعی- سیاسی دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۶۷ تا ۱۳۵۷) که بیشتر حول محور پیروزی انقلاب اسلامی، تغییر ساختار سیاسی کشور و وقوع جنگ تحمیلی جریان داشت، اشتراک منافع میان رأی دهندگان بسیار بارز است و آنچه به عنوان منفعت همگانی برای مردم انقلابی و درگیر جنگ مطرح است، حفظ انقلاب و نظام است. در نتیجه در این دوران منفعت همگانی بر منفعت فردی تقدم می‌یابد و با وجود مشکلات فراوان، مردم حضوری فعال، مستمر و گسترده در صحنه انتخابات مجلس شورای اسلامی از خود نشان می‌دهند. مثلاً انتخابات دوره‌های اول، دوم و سوم مجلس شورای اسلامی در شرایطی برگزار می‌شود که بسیاری از شهرهای کشورمان با حمله موشکی عراق روبرو بودند و چهار استان کشور مستقیماً درگیر جنگ با عراق بوده که یکی از این چهار استان (استان آذربایجان غربی) از جمله استانیهای آذری نشین بوده است. (عیوضی، ۱۳۸۵: ۱۱۴-۱۱۳ و بایبوردی، ۱۳۸۸: ۳۲۵-۳۲۳).

خاتمه جنگ، افزایش مراکز دانشگاهی و تعداد دانشجویان، رشد و گسترش طبقه متوسط شهری در دوران سازندگی (۱۳۷۶-۱۳۶۷) و تلاش‌های این طبقه در کسب قدرت سیاسی، تشدید توسعه ناموزون و نابرابری‌های منطقه‌ای و وجود محدودیت‌های فرهنگی به همراه تحولات بین‌المللی و فرآیند گسترش ارتباطات، شرایطی را رقم زد که از اوایل دهه ۱۳۷۰ هجری شمسی توجه و تمرکز بر توده‌های قومی از طریق برنامه‌ها و شعارهای محلی قومی آغاز شد (مقصودی، ۱۳۸۵: ۹۲). در این سالها دوره "سنجش و حسابگری" خصوصاً در مورد وضعیت اقتصادی شروع می‌شود که در انتخاب نامزدها و رفتارهای انتخاباتی مردم بسیار مؤثر است (عیوضی، ۱۳۸۵: ۱۱۸).

در واقع ارائه طرح و برنامه‌های محلی - قومی برای یارگیری در میان توده‌های قومی از سوی نیروها و گروه‌هایی آغاز شد که در زمره وفاداران به نظام جمهوری اسلامی بوده و در

سال‌های انقلاب و جنگ تحمیلی در صحنه‌های مختلف انقلاب و جنگ حضور فعالانه داشتند (مقصودی، ۱۳۸۵: ۹۲).

مردم علاقمند و پشتیبان انقلاب در دوران ثبات و استقرار نظام سیاسی به دنبال تقاضاها و مطالباتی از نظام سیاسی هستند و انتخابات در سطوح مختلف بهترین مکان برای انتقال برابند نظرات مردمی به مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران است (عیوضی، ۱۳۸۵: ۱۱۸). در این دوران، رفتار انتخاباتی، بیش از پیش از حالت تأیید گرا و حمایتی خارج می‌شود و به سمت آگاهانه‌تر شدن و محاسبه و ارزیابی در عملکردها پیش می‌رود (عیوضی، ۱۳۸۵: ۱۳۸). تغییر رفتار انتخاباتی حمایتی به مشارکت عقلایی محاسبه‌گرانه بدین معناست که جامعه به دنبال ایفای مطالباتی سیاسی-اجتماعی از حکومت است. عدم پاسخگویی متناسب با این مطالبات می‌تواند زمینه ساز بحران‌های سیاسی در قالب آشوب‌های شهری باشد (بایبوردی، ۱۳۸۸: ۳۲۴).

طرح محدود برنامه‌ها و شعارهای محلی-قومی از انتخابات مجلس چهارم یعنی از سال ۱۳۷۱ هجری شمسی آغاز شد ولی با توجه به اینکه این نخبگان هنوز پایگاه اجتماعی گسترده‌ای در بین اقشار مختلف جامعه پیدا نکرده بودند، با استقبال چندانی در این انتخابات روبرو نشد. در عین حال بستر سازی این نخبگان در طول دوران چهارساله پس از انتخابات مجلس دوره چهارم به همراه شرایط مساعد محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی موجب شد که انتخابات دوره پنجم در مناطق قومی خصوصاً در شهر تبریز و تعدادی از شهرهای دیگر با حساسیت بیشتری پیگیری شود (مقصودی، ۱۳۸۵: ۹۲).

از زمان انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی (اسفند ۱۳۷۴ و فروردین ۱۳۷۵)، در فقدان نظام حزبی کارآمد، شفاف و نهادهای قوی و نوین مدنی و در پیوند با نهادهای کهن و سنتی چون خانواده و عشیره، متغیر قومیت به عنوان یکی از متغیرهای مؤثر بر میزان مشارکت و رفتار انتخاباتی مناطق قومی پا به عرصه حیات سیاسی نهاد و با گذشت زمان بر گستره و نفوذ آن افزوده شد. انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی در آذربایجان تجلی صف آراییی فعالان قومی در مقابل دولت مرکزی بود. این انتخابات در آذربایجان مشحون از شعارهای قومی و وعده به مردم در این خصوص بود. بارزترین چهره این چالش، دکتر محمدعلی چهرگانی کاندیدای نمایندگی از تبریز بود (مرشدی زاد، ۱۳۸۰: ۲۷۵). در ادامه در انتخابات مجلس ششم و هفتم طیف قابل توجهی از جناح اصلاح طلب در مناطق قومی پیگیری مطالبات

محلّی- قومی را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار دادند(مقصودی، ۱۳۸۵: ۹۳). خواسته‌های عمده فعالان قومی در این مقطع بیشتر در حوزه زبان و ادبیات، آموزش به زبان محلّی (آذری) و اجازه استفاده از زبان مادری خود در آموزش و پرورش، ادارات و مراکز قضایی آذربایجان، جلوگیری از تمسخر آذری‌ها در رسانه‌های دولتی مانند صدا و سیما و عمل به اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است(مرشدی زاد، ۱۳۸۰: ۲۷۵ و ۱۴۷-۱۵۰ و احمدی، ۱۳۸۳: ۴۱۳-۴۱۲). مطابق اصل ۱۵ قانون اساسی؛ زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید به این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلّی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است(منتصر اسدی و شمیری، ۱۳۹۱: ۵۴). در سال ۱۳۷۸ گرچه فعالان قومی در آذربایجان در انتخابات مجلس ششم فرصت حضور نیافتند اما ادبیات آنها در طرح مسائل فرهنگی قومی توسط برخی شخصیت‌های مطرح و به عنوان کاندیدای دوم خرداد در این انتخابات اقتباس شد و مسائل قومی که قبل از انتخابات مجلس پنجم بیشتر در گفتمان فعالان قومی و بیشتر در بین دانشگاهیان آذری مطرح بود اکنون بسیاری از کاندیداها چه به صورت تظاهر جهت جذب آرای مردم در بسیاری از شهرستان‌های آذربایجان از تحقق اصل ۱۵ قانون اساسی سخن می‌گفتند و حتی در تراکت‌ها و بروشورهای تبلیغاتی به عنوان شعارهای انتخاباتی خود مطرح می‌کردند(بنی هاشمی، ۱۳۷۸: ۶۸).

مثلاً در انتخابات مجلس پنجم در سال ۱۳۷۴ تبریز، فردی گمنام و بدون پشتوانه خاص (محمود علی چهرگانی) در میان نزدیک به یکصد کاندیدا، جزو نفرات اول شد که تحقق مطالبات فرهنگی و مدنی قومی، محور تبلیغات و فعالیت‌های وی بود. آرای این نماینده در تبریز از طرف فرمانداری نزدیک به ۱۱۰ هزار رأی اعلام شد که این حجم آراء در مقایسه با سایر کاندیدا میزان بالایی استعداد بسیج گری قومی را در مدت کم تبلیغات انتخاباتی نشان می‌دهد(بنی هاشمی، ۱۳۸۱: ۵۷۹-۵۷۸). وی به عنوان کاندیدا با شعارهای: "۱- اجرای اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی در راستای یادگیری زبان مادری مردم آذربایجان و ایجاد برابری در میان تمام اقوام ایرانی ۲- حذف تبعیض‌های موجود در تقسیم بودجه با توجه به نیازها و استعدادهای مناطق کشور ۳- از بین بردن بیکاری طاقت فرسا در آذربایجان ۴- ایجاد صنایع مادر و استغال زا در آذربایجان" به صحنه انتخابات مجلس شورای اسلامی آمده بود(بنی هاشمی، ۱۳۷۸: ۶۸). در واقع، عرصه فعالیت قوم گرایانه در ایران از این تاریخ ماهیت و عرصه فعالیت

خود را از نظامی-سیاسی به ماهیت فرهنگی-ادبی و هنری تغییر داده است. نشانه‌های آن رشد فزاینده انجمن‌ها و مراکز مذهبی اقوام، انجمن‌های هنری-ادبی دانشجویی و غیر دانشجویی، رشد مطبوعات محلی، درخواست مشارکت سیاسی بیشتر در پست‌های مدیریتی، درخواست تدریس زبان محلی و... بوده است(حاجیانی، ۱۳۸۰: ۱۳۹).

انتخابات مجلس پنجم را می‌توان نقطه عطفی در ظهور گرایش‌ها و تعلقات قومی مردم آذربایجان در طول چند دهه پس از قضیه فرقه دمکرات تلقی کرد. در این انتخابات بر خلاف انتخابات قبلی که معمولاً بین ۵۰ تا ۵۵ درصد واجدین شرایط شرکت می‌کردند، بیش از ۷۰ درصد مردم در انتخابات شرکت کردند. هیجان و شور و نشاطی که برای انتخاب فرد مورد نظر صورت گرفت تا قبل از آن سابقه‌ای در انتخابات تبریز نداشت. این در حالی بود که در انتخابات مجلس دوم خبرگان رهبری در سال ۱۳۶۹ مردم تبریز با ۳۶ درصد مشارکت، کمترین میزان مشارکت را در سطح کشور داشتند و همین‌طور در سومین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری در سال ۱۳۷۷، کمترین میزان مشارکت از طرف مردم تبریز صورت گرفت. در صورتی که یکسال قبل در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ با توجه به برنامه‌هایی که آقای محمد خاتمی برای بهبود وضعیت فرهنگی و مطالبات قومی داشتند و همین‌طور امیدهایی که برای اصلاحات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی به وجود آمده بود استقبال بی نظیری از ایشان به عمل آمد و یکی از بالاترین آرای ایشان در سطح کشور به دست آمده که نشان‌دهنده این امر بود که رویکرد مردم فقط احساسات و عاطفی نیست بلکه بر مبنای آگاهی‌هایی است که برخاسته از شعور اجتماعی و سیاسی آنهاست(بنی هاشمی، ۱۳۸۱: ۵۷۹-۵۷۸ و راشدی، ۱۳۸۶: ۶۴-۶۳).

نگاهی به درصد مشارکت مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد، فضای انتخاباتی در کشور از نخستین دوره تا دوره هشتم به دلیل روند رو به رشد سلیق، دیدگاه‌های مختلف و نیز تشکیل گروه‌های مختلف سیاسی، تغییر یافته است؛ به طوری که در فضای انتخاباتی اولین دوره مجلس، فقط یک حزب فعال و شناخته شده یعنی "حزب جمهوری اسلامی" وجود داشت و کارکردهای حزبی با توجه به شرایط کشورمان، کمتر شناخته و مورد توجه بود، اما در آستانه انتخابات مجلس سوم و پس از انشعاب برخی روحانیون از "جامعه روحانیت مبارز" و تشکیل "مجمع روحانیون مبارز"، روند شکل‌گیری احزاب و گروه‌های سیاسی افزایش یافت، به ویژه از سال ۱۳۷۶، احزاب و گروه‌های زیادی اعلام موجودیت و نقشی فعال و مؤثر در عرصه رقابت‌های انتخاباتی ایفا کردند(مرانکی، ۱۳۸۷: ۶۳).

نتیجه گیری

از دیدگاه کارگرگرایی، انگیزه‌های افراد برای مشارکت در انتخابات، ارزش‌های موجود در جامعه است؛ در حالیکه از منظر مکتب مبادله، فرد کنشگر بر اساس خواسته‌ها، اهداف و آرزوهای خود و بر مبنای محاسبه سود و زیان در انتخابات شرکت می‌کند. تفاوتی که این دو دیدگاه در تاکید بر "جامعه" و "فرد" دارند، سبب بروز نکات و تحلیل‌هایی می‌شود که بدانها اشاره می‌شود.

با بررسی رفتارهای انتخاباتی استانهای آذری نشین این نتیجه حاصل می‌شود که مشارکت سیاسی آذری‌ها در طول تاریخ ایران به طور اعم و مشارکت آنان از طریق انتخابات به طور خاص در ۸ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، رویکردی ملی‌گرایانه، منافع ملی محور و ایران محور داشته است و بعضاً نخبگان و فعالان قومی از متغیر قومیت در انتخابات‌های مختلف و از جمله انتخابات مجلس شورای اسلامی در ادوار متفاوت، استفاده‌هایی کرده‌اند که در رفتار انتخاباتی بدان‌ها اشاره شد.

به کمک جداول تنظیمی در گزارش و آمار و ارقام موجود ۸ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، تصویر روشن و گویایی از سطح مشارکت استانهای آذری نشین و سایر استانهای کشور را نشان می‌دهد. بر اساس آمارهای موجود، مردمان منطقه آذربایجان (استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و زنجان)، مشارکت بالایی در ۸ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی از خود بروز داده و با اقدامات مشارکتی فعال، جدی و سرنوشت ساز در عمل، همبستگی خود را با ملت ایران نشان داده و خود را جزء لاینفک ملت ایران می‌دانند. همچنین بررسی تطبیقی آمارهای موجود نشان می‌دهد که فراز و نشیب، کاهش یا افزایش مشارکت انتخاباتی استانهای آذری نشین در انتخابات‌های مختلف و از جمله انتخابات مجلس شورای اسلامی، هم‌نوايي نسبتاً مستقیم با رفتار انتخاباتی کل کشور و فضای عمومی جامعه ایران داشته است و این مشارکت در همسویی با متوسط مشارکت عمومی کل کشور بوده است و لذا رفتاری که بتوان آن را متأثر از متغیر قومیت دانست، یافت نشد.

برابر بررسی‌های به عمل آمده و همچنین از لحاظ تاریخی، مشارکت جدی و فعال آذربایجانی‌ها در تمام تحولات سیاسی، اقتصادی و نظامی کشور، همدلی آنها با بقیه مردم ایران را به خوبی نشان می‌دهد.

آذری‌ها که از زمان ظهور دولت ایران قبل از اسلام بخش‌های جدایی ناپذیر جامعه ایران محسوب می‌شده‌اند و همان گونه که در گذشته در شکل دادن به میراث سیاسی و فرهنگی ایران و دفاع از آن نقش داشته‌اند، امروزه نیز در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه ایران حضور و مشارکت فعال داشته‌اند. نقش آذری‌ها در شکل دهی چندین دوره از حکومت‌های پادشاهی ایران، سبب مهاجرت پراکنده آنها به سایر نقاط به ویژه پایتخت و نواحی شمالی کشور گردید. از بعد تاریخی، جنگ‌های مکرری که در ناحیه مرزی آذربایجان و ترکیه روی داده و خاطرات ناخوش آذری‌ها، به ویژه اهالی تبریز از رفتار عثمانی‌ها، به طور طبیعی آذری‌ها را به درون فلات ایران سوق داده است و آنها عمق استراتژیک خود را در داخل فلات ایران قرار داده‌اند؛ بر همین اساس، صفویه پایتخت را که ابتدا در اردبیل بود، با شدت گرفتن نزاع و به منظور فاصله گرفتن از کانون تهدید (عثمانی)، طی چند مرحله به عمق فلات ایران انتقال دادند؛ یعنی از اردبیل به قزوین و از آنجا به ری و سپس به اصفهان. این امر انتشار آذری‌ها تا عمق فلات ایران را خاصه در مسیر تبریز-تهران سرعت بخشید. حضور و انتشار اقوام آذری طی چند قرن اخیر در بخش مرکزی ایران و همدلی و همزیستی مسالمت آمیز آنها با دیگر اقشار ملت، به ادغام آذری‌ها در بافت اجتماعی سکنه این بخش انجامیده و در نهایت در همبستگی آنان با ملت ایران تاثیرگذار بوده است.

آذری‌ها در متغیرهای زبان و لهجه و احساس قومیت با اکثر ملت ایران، یعنی فارس‌ها تفاوت دارند؛ اما در متغیر دین و مذهب (شیعه) با اکثریت ملت مشترکند. برخی از شاخص‌های اتحاد، همدلی و همبستگی آذری‌ها با ملت ایران را به صورت فهرست وار می‌توان بدین شرح برشمرد:

- ۱- احساس تعهد ملی و مسئولیت پذیری آنان در برابر ایران به عنوان وطن و زادبومشان.
- ۲- مشارکت در مبارزات سیاسی منتهی به انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷. مشارکت فعال و نقش آذربایجان در پیروزی انقلاب اسلامی در حرکت مردم تبریز در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ بود که با حرکت توفنده خود موجب تهییج و تشجیع عمومی در کشور شد.
- ۳- ایثارگری و فداکاری به خاطر منافع ملی و دفاع از سرزمین به ویژه در جنگ ایران و عراق. حضور جدی اقشار مختلف مردم آذربایجان در جنگ و پشتیبانی‌های مالی و جانی آنان بیشتر از آن جهت مهم و جالب است که بدانیم خود خطه آذربایجان در معرض تهدید مستقیم متجاوزان عراقی نبود. در طول جنگ ایران و عراق، آذربایجان با تقدیم ۱۷ هزار شهید، نقش

حساس و برجسته خود را به نمایش گذاشته (کریمی پور و کامران، ۱۳۸۰: ۲۶۳) و نشان آشکاری از این مشارکت گسترده است. چنانچه در میانه جنگ، میزان تشکیل واحدهای داوطلب از میان جوانان اردبیل و نواحی اطراف چنان زیاد بود که گفته می‌شد در سنجش با دیگر نقاط ایران، تنها اصفهان از لحاظ شمار شهدا از اردبیل پیشی گرفته است. نقش و استقامت لشگر ۳۱ عاشورا متشکل از استانهای ناحیه آذربایجان در جنگ ایران و عراق، گویای احساس وابستگی و تعلق خاطر ساکنان این ناحیه نسبت به یکپارچگی سرزمینی و رویارویی با دشمن مشترک بود (کاویانی راد، ۱۳۸۹: ۱۷۵) به طوری که ۸/۸ درصد افرادی که به صورت داوطلبانه (بسیجی) در طول جنگ در جبهه‌ها حاضر شدند، از دو استان آذربایجان شرقی و اردبیل بوده‌اند و این در حالی است که جمعیت این دو استان در زمان جنگ، ۸/۳ درصد از جمعیت کل کشور را تشکیل می‌داده است (گودرزی، ۱۳۸۴: ۹۸).

۴- پرچمداری جنبش‌های سیاسی-ملی ایران به ویژه در انقلاب مشروطیت (۱۲۸۵). آذری‌ها مهمترین نقش سیاسی خود را در سازماندهی نهضت مشروطه و تداوم مقاومت مسلحانه به رهبری سرداران معروف؛ ستارخان و باقرخان که به تصرف تهران انجامید، ایفا کردند.

۵- ایفای نقش فعال و مؤثر در تبدیل مذهب رسمی کشور به تشیع در دوره صفویه که از مهمترین عناصر سازنده هویت دینی و ملی ایرانیان به شمار می‌آید ضمناً برجسته‌ترین رفتار سیاسی آذری‌ها را می‌توان تأسیس دولت صفویه دانست که پس از یک دوره طولانی هرج و مرج در کشور توانست دولتی فراگیر و یکپارچه در ایران به وجود آورد.

۶- اتخاذ رفتار سیاسی-اجتماعی مسالمت جویانه و بردبارانه توأم با احساس همدلی و دلسوزی در مناسبات خود با سایر اقوام ایرانی و فارس‌ها.

۷- قرابت آداب و رسوم آذری‌ها به آداب و رسوم سایر ایرانیان. آداب و رسوم آذری‌ها با سنت‌ها، اعیاد و همچنین روابط اجتماعی مردم سایر نقاط ایران یکسان است. آذری‌ها عید نوروز، اعیاد دینی و مذهبی و سایر مراسم‌ها و رسوم ملی را باشکوه و به گرمی جشن می‌گیرند.

۸- تلاش برای گسترش زبان و ادبیات فارسی از سوی نخبگان آذری. سهم آذری‌ها در گسترش فرهنگ ایرانی و به ویژه ادبیات فارسی بسیار چشمگیر بوده است به طوری که بسیاری از آثار ادبی کلاسیک و مدرن فارسی در زمینه شهر متعلق به ایرانیان آذری است. از میان این چهره‌ها می‌توان به شعرایی چون نظامی گنجوی، خاقانی شیروانی، قطران تبریزی، صائب تبریزی، ایرج میرزا، پروین اعتصامی، شهریار اشاره کرد. نکته قابل تأمل اینکه شخصیت‌هایی چون شهریار و

نظامی گنجوی، اگرچه دارای اشعار آذری هستند، اما بیشتر با اشعار فارسی برای ایرانیان شناخته شده هستند و این مطلب که شهریار و دیگر شعرای آذری بیشترین شعرهای خود را به زبان فارسی سروده‌اند، علاقه ذاتی آنها را به زبان فارسی به عنوان هویت ملی ایرانیان نمایان می‌سازد. از طرف دیگر انتخاب روز ۲۷ شهریور؛ سالروز وفات استاد شهریار در ایران به عنوان "روز شعر و ادب فارسی" نیز جایگاه ارزشمند شهریار را در عرصه شعر و ادب فارسی به خوبی نشان می‌دهد (گودرزی، ۱۳۸۴: ۹۹).

تجانس مذهبی آذری‌ها با اکثریت قریب به اتفاق ملت ایران (۹۵ درصد) و شیعه بودن آنها به عنوان یکی از عوامل مهم هویت بخش ملت ایران است. از آنجایی که عامل مذهب بیش از قومیت باعث تمایز افراد از یکدیگر می‌شود و این متغیر قوی‌تر از سایر متغیرها عمل می‌کند، به نظر می‌رسد نیروی مذهب در منطقه آذربایجان بر سایر نیروها غلبه کرده (حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۱۶۱). و آذری‌ها را به هم مذهبیان و هم کیشان ایرانی آنها بیش از سایر عوامل متمایل کرده است.

همانطور که ملاحظه می‌شود آذری‌ها از موقعیت اجتماعی برجسته‌ای در میان ملت ایران برخوردارند و نخبگان سیاسی، فکری، مذهبی، علمی و فرهنگی آنها نقش اجتماعی برجسته‌ای هم در سطح محلی و هم در سطح ملی ایفا می‌کنند. این گروه مسئولیت‌پذیری بالایی در امور ملی و از جمله انتخابات از خود نشان داده‌اند و حضور فعال آنها در ترکیب ملی ایران، حاکی از مشارکت همه جانبه آنها در امور کشور و احساس تعلق به دولت و ملت ایران است. به عبارت دیگر مشارکت فعال و گسترده آذری‌ها در شئون اداری، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، علمی، فنی و مذهبی حتی در سطوح عالی رهبران، از دیگر عوامل همگرایی این قوم با بدنه ملت ایران است لذا آذری‌ها آنچنان با فارس‌ها و سایر اقوام و گروه‌های ملی در تهران، قم و نواحی اطراف این شهرها و همچنین سایر شهرهای کشور ترکیب شده و پیوند یافته‌اند که تصور جداسازی آنها از سایر ملت ایران بسیار بعید به نظر می‌رسد. در ملت‌های ترکیبی متوازن، میان گروه اکثریت و بزرگترین گروه اقلیت که قدرت‌های درجه اول و درجه دوم به حساب می‌آیند، همواره اختلاف و رقابت و نزاع پنهان یا آشکار برقرار است؛ اما در ایران که الگوی ترکیبی ملت، نامتوازن است و گروه اکثریت (فارس‌ها) و بزرگترین گروه اقلیت (آذری‌ها) با یکدیگر تجانس مذهبی دارند، نه تنها رقابت و ستیزی میان این دو گروه وجود ندارد بلکه روابط آن دو بر پایه

همکاری، مشارکت، برابری و ملیت مشترک تنظیم می‌شود(حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۱۵۷ و ۱۶۴-۱۶۳)

همچنین آمارهای موجود درباره ترکیب کابینه‌های دولت نشان می‌دهد که آذربایجانی‌ها به طور میانگین، مشارکتی دست کم ۱۶/۹۰ درصدی داشته‌اند که بیشترین آنها در کابینه شهید رجایی با ۳۱/۷ درصد و کمترین آنها در کابینه اول احمدی نژاد با ۱۰/۴۱ درصد بوده است (بایبوردی، ۲۰۱۲: ۳۳۰).

در مجموع می‌توان گفت با بررسی رفتار سیاسی آذری‌ها در طول تاریخ مشخص می‌شود که آذری‌ها عمدتاً تمایلات ملی‌گرایانه داشته و محدود گرایشهای گذرای قومی-ناحیه ای در درون آنها نیز تحت شرایط خاص بین‌المللی و مداخله بیگانگان پدید آمده است که نمی‌توان آن را یک آرمان سیاسی عمومی و خودجوش در میان مردمان آذری تلقی کرد(حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۱۶۰). ذکر این نکته خالی از لطف نیست که مهم‌ترین بحران‌ها و مسایلی که در منطقه آذربایجان رخ داده‌اند، مشتمل بر قیام شیخ محمد خیابانی در اواخر سال ۱۲۹۸(در تبریز)، بحران آذربایجان در سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۴ و فعالیتهای فرقه دمکرات به رهبری سید جعفر پیشه‌وری برای خودمختاری آذربایجان (غائله آذربایجان با تاکید بر همبستگی قومی و طرح درخواست‌های محلی-منطقه ای بود که مداخلات اتحاد جماهیر شوروی در این ماجرا عمدتاً از شرایط بین‌المللی ناشی از جنگ جهانی دوم و اشغال ایران سرچشمه می‌گرفت) و بعدها پس از پیروزی انقلاب اسلامی و حول جریان تشکیل حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران بوده است. یادآوری این نکته نیز ضروری است که بروز منازعات و بحرانهای تاریخی در مناطق قومی و از جمله آذربایجان، به هیچ وجه به معنای تقابل هویت قومی در مقابل هویت ملی و نیز تلاش برای جدایی طلبی و تجزیه قومی نباید در نظر گرفته شود چراکه هیچگاه محققان و مورخان نتوانسته‌اند چنین نتیجه‌ای را از تحلیل تنش‌های به وجود آمده در مناطق آذری نشین اخذ کنند(حاجیانی، ۱۳۸۸: ۲۹۵-۲۹۴).

نتیجه این که با مشارکت سیاسی مبتنی بر وفاداری ملی است که می‌توان زمینه‌های شکل‌گیری دولت فراگیر را در کشورهای دارای تنوع زبانی و قومی فراهم کرد و دولت فراگیر نیز بایستی با اتخاذ سیاست‌های سنجیده، زمینه‌های حضور و مشارکت فعال شهروندان در کلیه سطوح را با هدف گسترش وحدت ملی و همبستگی در بین اقوام تشکیل دهنده‌اش به کار گیرد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ابوطالبی، علی (۱۳۷۸). «حقوق اقلیت‌ها و همگرایی»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱.
- احمدی، حمید (۱۳۸۶). قومیت و قوم‌گرایی در ایران؛ افسانه و واقعیت، تهران: نشر نی.
- احمدی، حمید (۱۳۸۳). ایران؛ هویت، ملیت، قومیت (مجموعه مقالات)، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۸۲). سیمای ایران، تهران: انتشارات آقاییک.
- امیر انتخابی، شهرود و حیران نیا، جواد (۱۳۸۹). «نقش رسانه‌ها در مشارکت سیاسی شهروندان»، پژوهشنامه رسانه و مشارکت سیاسی، شماره ۵۰.
- بایوردی، اسماعیل (۱۳۸۸). توسعه سیاسی و امنیت ملی؛ مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات فرادید.
- بروجردی علوی، مهدخت (۱۳۹۴). «نشانه‌شناسی تصاویر موجود در کتابهای فارسی و تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۵۴.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۸). جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران: گفتارهایی در جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: موسسه نشر علوم نوین.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۸). سیری در نظریه‌های جدید در علوم سیاسی، تهران: موسسه نشر علوم نوین.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نشر نی.
- بنی هاشمی، میرقاسم (۱۳۷۸). «سنجش کارایی ابزارهای مشارکت سیاسی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴.
- بنی هاشمی، میرقاسم (۱۳۸۱). «چشم انداز آتی ناسیونالیسم قومی در آذربایجان ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی هویت ایرانی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۰). «مسئله وحدت ملی و الگوی سیاست قومی در ایران»، نامه انجمن

جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳.

حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۷). *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: انتشارات سمت.
حافظ نیا، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۰). «قومیت و سازماندهی سیاسی فضا: (مورد: غرب و شمالغرب ایران)»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، شماره ۲.

راش، مایکل (۱۳۷۷). *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: انتشارات سمت.

راشدی، حسن (۱۳۸۶). *ترکان و بررسی تاریخ، زبان و هویت آنها در ایران*، تهران: انتشارات اندیشه نو.

سائلی کرده ده، مجید (۱۳۷۸). *سیر تحول قوانین انتخاباتی مجلس در ایران*، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

سبیلان اردستانی (۱۳۸۹). «نقش رسانه‌ها در فرایند جلب مشارکت سیاسی»، *پژوهشنامه رسانه و مشارکت سیاسی*، شماره ۵۰.

صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۵). *مدیریت منازعات قومی در ایران*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

صدر، ضیاء (۱۳۸۶). *کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان*، تهران: نشر نو.

عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۵). *مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

غفاری، مسعود و زرین کاویانی، بهروز (۱۳۹۰). «بررسی روند مشارکت شهروندان استان کردستان در انتخابات ریاست جمهوری ۸۴-۱۳۷۶»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، شماره ۱.

فرهادی، محمد و کاظمی، علی (۱۳۹۲). «توسعه اقتصادی-اجتماعی، قومیت و مشارکت سیاسی»، *نشریه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، شماره ۴.

فراهانی، احمد و دیگران (۱۳۸۵). *بررسی نهمین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران - مشارکت سیاسی در ایران*، تهران: دفتر پژوهش و بررسی‌های خبری سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران.

کاویانی راد، مراد (۱۳۸۹). *ناحیه‌گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

کریمی، علی (۱۳۹۰). در آمدی بر جامعه شناسی سیاسی تنوع قومی؛ مسائل و نظریه‌ها، تهران: انتشارات سمت.

کریمی پور، یدالله و کامران، حسن (۱۳۸۰). «تحلیلی آماری از شهیدان جنگ»، مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۵۳۷.

گودرزی، حسین (۱۳۸۵). مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی. گودرزی، حسین (۱۳۸۴). جامعه شناسی هویت در ایران، تهران: موسسه مطالعات ملی. مرشدی زاد، علی (۱۳۸۰). روشنفکران آذری و هویت ملی و قومی، تهران: نشر مرکز. مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰). تحولات قومی در ایران؛ علل و زمینه‌ها، تهران: موسسه مطالعات ملی.

منتصر اسدی، فاطمه و شمیری، فاطمه (۱۳۹۱). مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات معاونت تدوین، تنقیح قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری.

نصیری، بهاره (۱۳۸۹). «بررسی نقش مشارکتی رسانه‌ها در انتخابات»، پژوهشنامه رسانه و مشارکت سیاسی، شماره ۵۰.

واحدی، الیاس (۱۳۸۶). هویت قومی در جمهوری آذربایجان، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.

واعظی، منصور (۱۳۹۱). طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور (شاخص‌های غیرثبتهی ۱۳۹۱): استان آذربایجان غربی، تهران: موسسه انتشارات کتاب نشر.

(ب) منابع انگلیسی

Baybordi, Esmael & Babamoradi, Jamileh (2012). **Political Participation of Azeri Ethnic Group in Iran since 1979**(Germany:LAP Lambert Academic Publishing).

<http://www.moi.ir/portal>

www.Farsinet.com